

ترتیب ، و زمانِ نزولِ

سوره های

قرآن

از : جمال گنجہ ای

شناسنامه کتاب

نام کتاب : ترتیب و زمان نزول سوره های قرآن

نویسنده : مهندس جمال گنجه ای

تاریخ انتشار در فضای مجازی : زمستان ۹۴

www.tafsir.jamal-ganjei.com

jamalganjei@gmail.com

فهرست

موضوع	صفحه
دفتر اول: ترتیب نزول سوره‌ها	۵
دفتر دوم: تاریخ نزول سوره‌ها	۴۰
نمودارها و جدولهای نزول سوره‌ها	۵۰
ارزیابی نمودارها و جدول‌ها	۶۵
فایده همه این چیزها (نمودار، جدول، ..) چیست؟	۷۱
تلخیص و جمع بندی	۷۸
پیوست: حروف مقطعه	۸۱
سایر آثار این قلم	۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر اول

تعیین ترتیب

نزول سوره ها

اهمیتِ پرداختن به این موضوع

۱

مشکلات خوانندگان عادی قرآن

یک بچه مسلمان را تصور کنید که در خانواده ای متدین به دنیا آمده و همراه پدرش به مسجد هم میرود و در ماه مبارک رمضان در باره ثواب مطالعه قرآن بسیار می شنود و در مدرسه هم ضمن دروس مربوطه در باره لزوم تعمق و تدبر در قرآن مطالبی می خواند و نمره خوب هم می گیرد ، چنین کسی ، وقتیکه کمی بزرگتر شد تمایل زیادی به مطالعه قرآن دارد .

او سعی میکند به کمک ترجمه های موجود ، لا اقل یکبار هم که شده قرآن را از ابتدا تا انتها بخواند .

چنین کسی در باره «ربا» در همان اوائل سیر قرآنی خویش در سوره بقره رباخوار را «شخص بسیار بدی که به خدا و رسول اعلان جنگ داده» می شناسد ، اما ، بعدا در سوره روم ، که در اواسط قرآن است میخواند که ربا نزد خداوند ثوابی ایجاد نمیکند ! (...فلا یربوا عند الله...) یعنی خطرش همینقدر است که نزد خدا کار خوبی محسوب نمیشود نه اینکه موضوعی باشد خیلی خطرناک و در حد اعلان جنگ با خدا و رسولش، همین شخص در سوره بقره و نساء و مائده تصویری از بنی اسرائیل پیدا میکند و آنها را قومی نا فرمان در مقابل فرمان های الهی و تکذیب کننده رسولان و تحریف کننده تورات و قاتل پیامبران می شناسد ، ولی در اوسط قرآن در سوره های دخان و چند جای دیگر آنها را «قوم برگزیده خداوند» (و لقد اخترنا هم علی علم علی العالمین) می بیند !

همین شخص در سوره بقره میخواند که اگر کسی شکی درباره الهی بودن قرآن دارد بداند که کسی نمیتواند حتی یک سوره هم مانند قرآن بیاورد ، ولی همینطور که جلو

میرود می بیند در سوره هود برای همان منظور، بجای اینکه موضوع تخفیف داده شود ، سنگین تر گشته و بجای یک سوره ده سوره پیشنهاد شده ، وبازهم که جلوتر میرود می بیند در سوره اسراء موضوع بازهم افزایش پیدا کرده و به کل قرآن رسیده است .

همین شخص می بیند ، در شش آیه اول سوره دخان ، از شبی پر برکت سخن رفته ، اما ، در آخر قرآن می بیند شب قدر با شرح کافی و مناسب یاد شده ، و او تعجب میکند که چرا قبل از سوره دخان آن «لילה مبارکه» (شب پر سود) معرفی نشده است. همین شخص می بیند در سوره انفال مومنان را مورد عتاب شدیدی قرار داده که چرا اسیر گرفته اید و بعدا در اواخر قرآن ، در سوره محمد(ص) می بیند به مسلمانان توصیه اکید کرده که هم و غم آنان در ابتدای جنگ می باید پیروزی در جنگ باشد نه اسیر گرفتن .

این شخص ، در سیر قرآنی خویش مشکلات زیاد دیگری هم می یابد که ما به علت رعایت اختصار از ذکر آنها چشم می پوشیم .

این شخص پس از اتمام مطالعه اش گرچه این دلخوشی را دارد که «ثواب»ی کسب کرده ، و چه بسا خوشحال هم باشد که خداوند چنین توفیقی به او داده است ، اما بسیار بعید است که چنین شخصی تمایل دو باره ای برای تکرار آن کار پیدا کند و به آن باز گردد .

اما اگر همین شخص قرآن را به ترتیب نزول بخواند از مطالعه اش لذت می برد ، و تقریبا هیچیک از آن مشکلات را نخواهد داشت ، و تمایل برای تکرار آن تجربه را نیز خواهد داشت و چه بسا بعدا تمایل به فراگیری زبان عربی هم پیدا کند ، و کم کم به یک قرآن پژوه هم مبدل گردد .

مثال دیگر :

این قلم در سال ۴۷ که وارد دانشگاه شد ، جو دانشگاه را در دست کسانی دید که

بی تعارف خود را بیدین می نامیدند ، اما ، در عین حال ، ویتیرینی که ارائه میدادند جذاب بود .

برآیند این وضع با ذهنیات مذهبی عامیانه اش این بود که تصمیم گرفت تکلیفش را با خویش روشن کند .

آنقدر مطالعه داشت که بداند این پروسه از راه های فلسفی و یا عرفانی به جایی نمیرسد زیرا فلاسفه دائماً سخن یکدیگر را نقض یا نقد میکنند و تجربه های عرفانی قابل انتقال به غیر نیست .

آنقدر زمینه مذهبی داشت که بداند مسلمانان اعجاز قرآن را راهی برای کسب اطمینان و دفع شک میدانند و مصمم شد این راه را برود و نتیجه اش را - هرچه شد - بپذیرد ، و لذا از همان اول با دید بیطرفانه به مطالعه قرآن پرداخت.

یکبار با زحمت کل قرآن را با دقت و تأنی به کمک مطالعه همزمان ترجمه های مرحومان ابوالقاسم پاینده و (ترجمه - زیرنویس) کاظم معزی خواند و برایش جالب بود که در قرآن چیزهای زیادی دید که با پیش - ذهنیت های امثال او تفاوت آشکار داشت و این او را مصرّتر کرد ، بار دوم یا سوم چنین مطالعه ای بود که تصدیق کرد قرآن بالاتراست از اینکه بتواند کار بشر باشد و از آن زمان - که حدوداً سال ۱۳۵۰ بود ، دیگر قرآن از دستش نیافتاد ، شروع میکرد ، ادامه میداد ، به آخرش میرسید ، و باز از اول شروع میکرد .

او ، در ضمن همین نوع مطالعه اش تخمین میزد که سوره بقره باید مقدم بر سوره انفال باشد که در اولی مردم را به بلیغ ترین بیان به جهاد در راه خدا تشویق کرده و در دومی شرح جنگ وقوع یافته را داده است.

همچنین او درک میکرد که «چک لیست» های قرآنی بطور معقول و منطقی می باید از طرف ساده و آسان به طرف پیچیده و سنگین بوده باشد لذا می باید سوره معارج مقدم بر مومنون ، و آن مقدم بر فرقان باشد ، اما میدید در ترتیب رایج برعکس است و این شباهت دارد به اینکه از دانش آموزی که هنوز اصول پایه ریاضی را هم نشنیده،

حل معادلات بغرنج را بخواهیم .

همچنین داستان های بنی اسرائیل به او میگفت که سوره طه می باید مقدم بر اعراف باشد ، و همچنین اعراف می باید مقدم بر بقره باشد که در ترتیب رایج برعکس است. همچنین داستان های آفرینش به او میگفت که سوره اسراء باید مقدم بر سوره حجر باشد ، و آن مقدم بر طه ، و آن مقدم بر اعراف ، و آن مقدم بر کهف ، و آن مقدم بر بقره باشد .

این قلم در طول چنین مطالعه مکرری از قرآن متوجه شد که در بالای ابتدای هر سوره - در ترجمه مرحوم ابوالقاسم پاینده - چیزی درج شده ، شبیه : (نام سوره) نزلت بعد (نام سوره دیگر) ، (مثلا در بالای سوره مدثر : نزلت بعد العلق) او همه اینها را روی کاغذی نوشت و از روی آن یک لیست ترتیب نزول استخراج کرد (که بعدها فهمید این همان لیست ابن عباس است) و برایش جالب بود که در این ترتیب سوره ها بسیاری از آن اشکالات را نمیدید .

مثال دیگر :

کسی را پیداکنید که تاکنون قرآن نخوانده باشد (البته متاسفانه چنین کسانی خیلی زیادند) آنگاه به او بگوئید آیات ۴۰ تا ۱۰۳ سوره بقره را بخواند و به شما بگوید چه فهمیده ، جواب او این خواهد بود : «چیزی نفهمیدم» آنگاه به او بگوئید آیات ۹ تا ۹۹ سوره طه و پس از آن آیات ۱۰۳ تا ۱۷۱ سوره اعراف را خوانده و سپس آن قسمت سوره بقره را مجددا بخواند و بگوید چه فهمیده ، او این بار خواهد گفت : «خیلی از آن مطالب قبلی را اینک می فهمم»

مثال دیگر :

حقیقتش ، مثال در این باره زیاد ، و روش ما پرهیز از تطویل است ، و لذا از ذکر مثال های بیش از این میگذریم .

مشکلات مفسران قرآن

مفسران قرآن در صورتیکه به ترتیب نزول کار نکنند دو نوع مشکل خواهند داشت :

الف - دور ماندن از درک مطالبی که با وجود بدیهی بودن اهمیت زیادی دارد (ضرر عدم النفع)

ب - خطا در درک بسیاری از مفاهیم قرآنی .

واینک شرح مختصر هریک :

الف) مثال برای انواع ضرر عدم النفع

اگر شخصی قرآن را به ترتیب نزول بخواند متوجه یک امر بدیهی - و در عین حال بسیار مهم - می شود که پیامبر (ص) در ابتدای رسالت نوعاً به «اسم ربّ» ارجاع داده می شد نه به «خود ربّ»

مثلاً در ابتدای وحی داریم : اقرا باسم ربک ... و اذکر اسم ربک و تبتل الیه ... سبح اسم ربک الاعلی ... و ... (که از این مثال ها زیاد هم هست)

اما کم کم که پیامبر در راه رسالت پیش می رود و ظرفیت هایش زیادتر می شود آنگاه به «خود رب» ارجاع داده می شود مثلاً گفته می شود و اذکر ربک اذا نسیت ... و اعبد ربک حتی یاتیک الیقین ... و ... که این ها هم خیلی زیاد است .

یک مفسر بزرگواری هستند که تلفنی نمی توان با ایشان صحبت کرد . وقتی که شخصی تلفنشان را می گیرد اول یک جوان جواب می دهد اگر نتوانست جواب بگوید یک نفر دیگر را صدا می زند و اگر او هم نتوانست ، نفر نهائی را صدا می زند . این نفر نهائی کسی است که تقریباً در حکم خود آن مفسر بزرگوار است و درباره خویش گفته که من تقریباً همه نظره های تفسیری «آقا» را می دانم .

وقتی موضوع فوق بطور تلفنی سؤال شد اولی و دومی ندانستند ، آخری هم گفت نمی دانم و در نظرات تفسیری آقا به چنین چیزی برنخورده ام ، بعداً تلفن بزیند تا

عرض کنم.

این یک مثال واضح برای عدم‌النفع عظیم است که یک مفسر عالیقدر دارای حدود ۵۰-۶۰ سال سابقه علمی، متوجه چنان موضوع بدیهی نشده باشد و از این مثال‌ها زیاد است و عدم توجه و اهمیت ندادن به ترتیب نزول علاوه بر اینکه دچار ضرر بدفهمی می‌کند سبب دچار شدن به ضرر عدم‌النفع فهم چیزهای عادی و واضح هم می‌شود.

ب) مثال برای انواع ضررهای عینی

ب-۱) یکی از علماء بزرگ که تأثیرش بر علماء معاصر خویش و نیز بر علماء متأخر کاملاً آشکار است در تفسیر سوره انفطار ذیل آیه‌ای که متضمن جمله «ما غرک بر بک الکريم» است فرمایشاتی فرموده، از جمله در ردّ نظر بعضی از قداما که گفته‌اند در این جمله «القاء عذر» صورت گرفته، با ذکر سه آیه در سه سوره دیگر که مطلب آنها در مخالفت با «القاء عذر» است چنین فرموده که موضوع «القاء عذر» باطل است.

ما عرض می‌کنیم که صرفنظر از صحت یا بطلان موضوع «القاء عذر»، آن آیه‌هایی که به عنوان مدرک بطلان «القاء عذر» مورد استفاده آن بزرگوار واقع شده، همگی از لحاظ ترتیب نزول متأخر بر آن آیه سوره انفطار است و اگر تنها دلیل ایشان در بطلان القاء عذر آن آیات باشد، استدلالشان باطل می‌شود.

از این نوع نمونه‌ها نوعاً در تفاسیر رایج بسیار زیاد است، یعنی اینکه عدم رعایت ترتیب نزول مفسر را به اشتباه می‌اندازد.

ب-۲) دیگر اینکه همان بزرگوار ذیل آیه «الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات» در سوره عصر فرموده یعنی کسانی که عامل به همه اعمال صالح باشند، و این در حالی است که در سوره‌های طه و مریم داریم که «... من يعمل من الصالحات ...» یعنی اگر شخصی مؤمن باشد و به انجام بعضی از اعمال صالح پرداخته باشد در آخرت نگران نباشد. اگر به این حقیقت توجه داشته باشیم که سوره عصر تقریباً هشت سال قبل

از سوره‌های مریم و طه نازل شده ، این تناقض مهم پیش می‌آید که خداوند در ابتدای نزول وحی فرموده باشد «به اعمال صالح» و سال ها بعد فرموده باشد «به بعضی از اعمال صالح»

ب-۳) مثال دیگر اینکه تقریباً قاطبه مفسران «نفس واحده» مندرج در آیه اول سوره نساء و نیز آیه ۱۸۹ سوره اعراف را بر حضرت آدم (ع) تطبیق کرده‌اند که کاملاً خطاست زیرا مدلول آن نفس واحده در آیه ۱۸۹ سوره اعراف دچار شرک می‌شود که از ساحت حضرت آدم (ع) که برگزیده خدا بوده است به دور است .

چرا اینطور شد؟

مردم و علماء و مفسران ، وقتیکه قرآن را به ترتیب رایج می‌خوانند پس از سوره حمد به سوره بقره می‌رسند و در همان اوایل سوره بقره داستان آفرینش است که شامل امتحان آدم و ملائکه و سجده فرشتگان و استنکاف ابلیس و اخراج او می‌باشد (بگذریم از تصورات رایج راجع به چگونگی کل داستان آفرینش)

سوره نساء و سوره اعراف نیز با فاصله بسیار کمی پس از سوره بقره است. طبیعی است که مفسر قرآن وقتی که به سوره نساء و یا سوره اعراف می‌رسد و این جمله را می‌خواند که «خلقکم من نفس واحده» (شما را از نفس واحده آفرید) بطور عادی مفهوم «نفس واحده» را با مفهوم «آدم» خلط می‌کند جمله «و خلق منها زوجها» (و جفتش را نیز از آن آفرید) را هم در همان جهت می‌بیند و لذا به همان خطای فوق دچار می‌شود ، چنان که شده‌اند.

در حالیکه منظور از «نفس واحده» مورد بحث ، اصل و ریشه بشر و بشریت است که در سوره شمس آمده ، آنجا که می‌گوید «و نفس و ما سوېها ...» و چنانکه می‌دانیم جنس زن و جنس مرد از لحاظ مشخصات کلی (و صرف‌نظر از تفاوت‌های اندامی و آناتومیک) یک چیز هستند و مشابهند و زن ، «انسان ماده» و مرد ، «انسان نر» است و خلاصه چه زن و چه مرد ، هر دو «انسان» هستند و این‌که فرموده جفتش را از آن

قرار داد به این معنی است که از «برنامه خلقت انسان» یک برنامه دیگر انتزاع شد که عبارت باشد از «برنامه خلقت انسان ماده»

در هر حال ، سوره شمس از لحاظ نزول تقریباً در ابتدای قرآن است اما از لحاظ مورد مطالعه واقع شدن در انتهای قرآن است و قرائتِ برعکسِ ترتیبِ نزولِ آن ، مانع از تأثیرپذیری شایسته از آن می‌شود ، چنان‌که شده ، و نتیجه‌اش هم این شده که «نفس واحد» را در آیه ۱۸۹ سوره اعراف به حضرت آدم تطبیق ، و در آیه بعد نسبت به نتیجه غیرقابل قبول آن (شِرک مورد انطباق) سکوت می‌کنند .

و کسی مرتکب چنین خطاهائی در تشخیص نمی‌شود مگر اینکه رعایت ترتیب نزول در تفسیر آیات را ضروری نداند .

و از این مثال‌ها بسیار زیاد است و ابدأً منحصر به آنچه گفته شد نیست و ما فقط سه نمونه از سه نوع را عرض کرده‌ایم ، در حالیکه هم انواع بیشتر از سه تاست و هم نمونه‌های داخلِ هر نوع بسیار زیاد است .

حل بحث قدیمی ناسخ و منسوخ نیز بوسیله دانستن ترتیب نزول آسان تر حاصل میشود .

یک بحث قدیمی در علم تفسیر هست که فلان آیه ، فلان آیه را نسخ کرده است و بستر این بحث نیز آیه‌ای است که می‌فرماید «ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها ...» [هر آیه ای را که منسوخ کنیم یا آنرا از یادها ببریم بهتر از آن یا لااقل مثل آن را می‌آوریم. ... (بقره/۱۰۶)]

البته استفاده جهان‌شناختی که از این آیه می‌توان نمود این است که کل جهان و تاریخ بشر و هر مقوله کلی دیگری را که مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید حرکت رو به بالا و حرکت رو به خیر و حُسن دارد که در محل خویش یک بحث فلسفی و عرفانی مهمی است و شیرین هم هست.

اما همین آیه از لحاظ فقهی جنبه کاربردی وسیعی دارد مثلاً در مورد شرب خمر در سوره بقره آیه‌ای آمده که از آن فهمیده می‌شود در شراب منافعی هست اما در عین

حال در آن مضاری هم هست و مضار آن از منافع آن بیشتر است. اما در سوره مائده در همین خصوص صراحتاً آمده که «آن پلید است که از عمل شیطان است و از آن دوری کنید» فقها می گویند آیه اخیر (در سوره مائده) ناسخ آیه قبلی (در سوره بقره) است و حرف صحیحی هم هست و واضح هم هست زیرا نزول سوره مائده تقریباً هفت سال پس از سوره بقره است.

اما این که بقیه آیات ناسخ و موارد نظیر منسوخ آن ها کدامند ، یک بحث خیلی خیلی مفصل و قدیمی را در تفسیر قرآن باز کرده و چه کوشش ها و چه مناظرات و چه دعاها را سبب شده که اگر کسی بخواهد در این خصوص تحقیقی انجام دهد نتیجه- اش کتاب بسیار قطوری خواهد شد اما اگر مسلمانان از همان بدو تدوین قرآن کریم آن را به ترتیب نزول تفسیر می کردند ، خود به خود ، این همه مجادلات و دعاها و حتی جنگ ها سالبه به انتفاء موضوع میشد .

خلاصه اینکه رعایت ترتیب نزول به مفسر کمک شایانی میکند ، و عدم رعایت آن ، او را به خطاهای سنگینی می اندازد .

یک لیستِ خوبِ ترتیبِ نزولِ کجاست ؟

بطور کلی لیست های ترتیب نزول را در دوجا میتوان یافت :

۱ - روایات ،

۲ - کارهای تحقیقی .

واینک سخن کوتاهی در باره هریک از دو :

۱ - روایات ترتیب نزول

چنانکه قبلا عرض شد ، خود این قلم که در جوانی برای اولین بار قرآن را از روی ترجمه مرحوم ابوالقاسم پاینده خواندم ، در تیتتر هر سوره غیر از نام سوره و مکی و مدنی بودن آن ، جمله ای را میدید که اینطور بود : «نزلت بعد ال...» یعنی اینکه این سوره بعد از سوره ... نازل شده ، و از روی این تیتورها یک لیست ترتیب نزول تهیه کرد که نه ارزشش را میدانست و نه مآخذش را .

بعدا فهمید که لیست مذکور بر اساس روایت ابن عباس است و مرحوم علامه هم در کتابش «قرآن در اسلام» و (مرحوم؟) دکتر رامیار هم در کتابش «تاریخ قرآن» آن را نقل کرده است .

اخیرا هم (حدود ده سال قبل) در کتاب دکتر جعفر نکونام بنام «مصحف علی» لیستی از شخصی به نام ابن مسیب ارائه شده و از او نقل شده که او مصحف علی را دیده ، و مشاهده کرده که مصحف آنحضرت آنطور است (که در روایت ابن مسیب آمده بود)

لیست ابن مسیب شبیه به لیست ابن عباس است و چون از آن بسیار ضعیف تر است ، لیست او ولیست های دیگر آن کتاب را نقل نمی کنیم اما بعدا در جای مناسب لیست ابن عباس و یک لیست تحقیقی علمی غیر روایتی را نقل خواهیم کرد .

البته در اینجا باید بگوئیم که اگر امیر المومنین (ع) لیستی تهیه کرده باشد البته آن حجت است ، اما در همان کتاب از قول دیگران لیست های دیگری هم به امیرالمومنین

نسبت داده شده بود که مغایرت غیر قابل اغماضی با هم داشتند و از مجموع مطالب آن کتاب این باور یقینی بدست می آمد که هیچیک از لیست های آن کتاب نمیتواند لیست امیرالمومنین (ع) باشد ، بخصوص لیست ابن مسیب که سستی از سر و رویش می بارد و اسم آن کتاب نیز نباید کسی را به اشتباه بیاندازد و مولف آن کتاب نیز چنین ادعائی نکرده ، اما ، متأسفانه نام کتاب عده زیادی را به این اشتباه انداخته است که گویا لیستی منسوب به امیرالمومنین (ع) وجود دارد و قابل دسترسی است .

البته ما شیعیان عقیده داریم که امیرالمومنین (ع) درست پس از فراغت از تجهیز و تکفین وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت به تدوین قرآن پرداخت و پس از اتمام آن، آن را عرضه عمومی کرد ، ولی پس از اینکه اقبال درخور دیدن آن را مکتوم نگهداشت و به عقیده ما شیعیان آن قرآن اینک (همراه بقیه موارث انبیاء) نزد امام زمان است .

[[البته این هم دلیل محکم اضافه ای است بر لزوم ترتیب نزول ، اما چون این موضوع «روایتی» است مورد بحث این کتاب نیست]]

لیست ابن عباس

خلاصه اینکه لیست ابن عباس که مشهور ترین لیست روایتی ترتیب نزول می باشد ، این است :

۱ علق - ۲ قلم - ۳ مژمل - ۴ مدّتر - ۵ فاتحه - ۶ مسد - ۷ تکویر - ۸ اعلی - ۹ لیل - ۱۰ فجر - ۱۱ ضحی - ۱۲ انشراح - ۱۳ عصر - ۱۴ عادیات - ۱۵ کوثر - ۱۶ تکاثر - ۱۷ ماعون - ۱۸ کافرون - ۱۹ فیل - ۲۰ فلق - ۲۱ ناس - ۲۲ اخلاص - ۲۳ نجم - ۲۴ عبس - ۲۵ قدر - ۲۶ شمس - ۲۷ بروج - ۲۸ تین - ۲۹ قریش - ۳۰ قارعه - ۳۱ قیامه - ۳۲ همزه - ۳۳ مرسلات - ۳۴ ق - ۳۵ بلد - ۳۶ طارق - ۳۷ قمر - ۳۸ ص - ۳۹ اعراف - ۴۰ جنّ - ۴۱ یس - ۴۲ فرقان - ۴۳ فاطر - ۴۴ مریم - ۴۵ طه - ۴۶ واقعه - ۴۷ شعراء - ۴۸ نمل - ۴۹ قصص - ۵۰ اسراء - ۵۱ یونس - ۵۲ هود -

۵۳ یوسف - ۵۴ حجر - ۵۵ انعام - ۵۶ صافات - ۵۷ لقمان - ۵۸ سباء - ۵۹ زمر - ۶۰ مومن - ۶۱ فصلت - ۶۲ شوری - ۶۳ زخرف - ۶۴ دخان - ۶۵ جاثیه - ۶۶ احقاف - ۶۷ ذاریات - ۶۸ غاشیه - ۶۹ کهف - ۷۰ نحل - ۷۱ نوح - ۷۲ ابراهیم - ۷۳ انبیاء - ۷۴ مومنون - ۷۵ سجده - ۷۶ طور - ۷۷ ملک - ۷۸ حاقه - ۷۹ معارج - ۸۰ نباء - ۸۱ نازعات - ۸۲ انفطار - ۸۳ انشقاق - ۸۴ روم - ۸۵ عنکبوت - ۸۶ مطففین - ۸۷ بقره - ۸۸ انفال - ۸۹ آل عمران - ۹۰ احزاب - ۹۱ ممتحنه - ۹۲ نساء - ۹۳ زلزال - ۹۴ حدید - ۹۵ محمد - ۹۶ رعد - ۹۷ رحمان - ۹۸ دهر (انسان) - ۹۹ طلاق - ۱۰۰ بینه - ۱۰۱ حشر - ۱۰۲ نور - ۱۰۳ حج - ۱۰۴ منافقون - ۱۰۵ مجادله - ۱۰۶ حجرات - ۱۰۷ تحریم - ۱۰۸ تغابن - ۱۰۹ صف - ۱۱۰ جمعه - ۱۱۱ فتح - ۱۱۲ مائده - ۱۱۳ توبه - ۱۱۴ نصر .

ابن عباس پسر عباس عموی پیامبر (ص) است که در هنگام وفات آنحضرت سه سال داشت و لذا نمیتوان او را جزء «اصحاب» محسوب کرد و حد اکثر میتوان او را جزء «تابعین» دانست .

لذا لیست او از «خاطرات» خود او نشاء نگرفته است ، بلکه از این و آن شنیده و به دیگران گفته ، و داستانهایی هم در این باره که او «شاگرد» امیرالمومنین بوده در اینجا و آنجا و توسط این و آن نقل شده است ، که این قلم به دیده تردید در آنها مینگرد و نمیتواند باورشان کند ، اما ، چون موضوع اخیر «فرعی» است ، در اینجا به آن نمی پردازد. اما ، نزدیک بودن نتایج لیست او با نتایج کارهای تحقیقی محققان خوشنام ، نشان میدهد که لیست او خیلی هم بیراه نیست ، اما اشکالات بزرگی دارد که برخی از آنها واضح ، و بسیاری از آنها گرچه نه آنقدر واضح ولی در اثر اندک دقتی ، به عنوان خطا ، قابل شناخت است .

از جمله اشکالات واضح لیست او سوره قلم به عنوان دومین سوره است که یک خطای خیلی واضح است ، اگر بخواهیم شرح دهیم طولانی میشود اما لازم نیست زیرا خواننده

این قبیل مطالب فرهیخته است و میداند که نگاهی ساده به محتوای سوره قلم در ابروی شخص چین می اندازد که مگر میشود امروز به شخصی وحی شود و فردا آنهمه دشمن جدی از میان اشخاص قابل توجه جامعه پیدا کند که به جدّ دنبال مدافعه با او باشند و بخواهند امتیازات بزرگی به او بدهند تا او (نه اینکه از حرفش برگردد) بلکه فقط یک تایید کوچک هم که شده از آنها کند .

اشکال واضح دیگر لیست ابن عباس این است که که سوره عادیات را در همان اوایل لیست خویش آورده ، در حالیکه اگر به محتوای سوره عادیات توجه کنیم خواهیم دید این سوره دارای بارِ قوی تشویق به آمادگیهای رزمی دارد و بطور قطع جایش نمیتواند در اوایل نزول وحی باشد ، بلکه جای صحیحش می باید لا اقل نزدیک به وقوع اولین جنگ مسلمانان باشد .

اشکال واضح دیگر در لیست ابن عباس مربوط به انتهای لیست او است که سوره نصر را آخرین سوره ذکر کرده و این خیلی مضحک است ، زیرا سوره نصر بشارت میدهد که مردم دسته دسته برای پیوستن به اسلام خواهند کوشید ، و این اتفاقی بود که چهار سال قبل از وفات آنحضرت رخ داد و چگونه ممکن است بشارت وقوع چیزی را بدهند که آن چیز چهار سال قبل وقوع یافته است .

اگر محتوای سوره ها را ملاک ارزیابی قرار دهیم اشکالات لیست ابن عباس به تعداد عناصر لیست او خواهد رسید و سخن طولانی خواهد شد اما برای منظورمان همین قدر کافی است .

۲ - کارهای محققان

در قرن نوزدهم و بیستم ، کسانی از محققان اروپائی به تحقیق در باره قرآن پرداختند و اسامی معروف ترین آنها «ژول لابوم» و «بلاشر» (فرانسوی) و «تولدکه» (آلمانی) است که کارهای تحقیقی قابل تحسینی در این خصوص کرده اند . آنها کاری را کردند که خداوند ، تقریباً ۱۲۰۰ سال قبل ، از معاصرین آنحضرت ،

خواسته بود که کنند اما نکردند ، و آن «تدبر در قرآن» بود (که در سوره های محمد (ص) و نساء خطاب به منافقان و مومنان سست ایمان دعوت به آن کرده بود و آنها که مخاطب مستقیم قرآن بودند گوش ندادند) اما ، پس از تقریبا ۱۲۰۰ سال آن محققان اروپایی آن کار را کردند و به دستاوردهائی رسیدند که هیچ مسلمان و مومنی تا زمان آنها به چیزی شبیه به آن دستاوردها نرسیده بود .

از جمله ژول لابوم مطالب قرآن را عنوان بندی کرد و و آنها را در لیستی که اشاره به محل آنها در قرآن داشت گرد آورد . جدول های موسوم به «کشف المطالب» که در انتهای قرآن های چاپ حدود پنجاه سال قبل وجود دارد کار هموست که بدون ذکر نامش صورت گرفته است (لاید علت درج نکردن نامش خجالت از این بوده که ببین چطور «کافران» قرآن ما را از خودمان بهتر می شناسند !)

و بلاشر و نولدکه در تعیین ترتیب نزول سوره ها کارهای ارزشمندی دارند و مرحوم مهندس مهدی بازرگان به بلاشر نزدیک بوده و چنانکه خود میگوید آثار قرآنی او را دیده و خوانده بوده است .

لیست ترتیب نزول مرحوم مهندس بازرگان گرچه خیلی از لیست بلاشر بهتر است اما دو لیست مذکور نسبتا به هم نزدیکند .

۲/۱ - کار تحقیقی مرحوم مهندس مهدی بازرگان

اما از میان مسلمانان ، مرحوم مهندس مهدی بازرگان کار بسیار ارزشمندی دارد بنام «سیر تحول قرآن» که شالوده اش را در زندان (سیاسی دهه چهل) ریخت و چند سال پس از فراغت از زندان آن را تکمیل کرد که بزودی در دو جلد به چاپ رسید و مجددا آن را اصلاح و تکمیل کرد و نسخه اخیر الذکر از سال ۵۵ تا کنون دائما دارد تجدید چاپ میشود .

این کار ، کاری است کاملا ارزشمند ، دارای محاسبات مفصل ، و استدلال های محکم، جدول ها ، و نمودارهای کافی مرتبط ، و استنتاج های معقول و مقبول .

بنابر همه آنچه گفته شد ، جوابِ سوالی که تیترا این فصل با آن شروع شده ، این است که لیست های خوبِ ترتیب نزول را میتوان در روایات و کارهای تحقیقی محققان جستجو کرد و ما اولاً کار تحقیقی را بر روایات (آنهم از کسانی مانند ابن عباس که سخنشان حجیت ندارد) ترجیح میدهم ، و ثانیاً از میان کارهای تحقیقی ، کار خوب مرحوم مهندس بازرگان را بر کارهای ژول لایبوم و بلاشر و نولدکه و غیره ترجیح داده و ثالثاً آن را اساس قرار داده و با ابزاری که خودمان ساخته ایم (و کارائیش باید توسط اهل نظر ارزیابی شود) بهبود بخشیده ایم ، اما ، در اینجا ، لیست ترتیب نزول آن بزرگوار را نقل کرده ، و سپس در ارزیابی آن کلماتی از زبان خودِ آن بزرگوار نقل میکنیم :

لیست مرحوم مهندس مهدی بازرگان

۱ علق - ۲ مدثر - ۳ عصر - ۴ طور - ۵ اخلاص - ۶ طارق - ۷ انفطار - ۸ شمس
 ۹ کوثر - ۱۰ اعلی - ۱۱ بروج - ۱۲ تکویر - ۱۳ انشراح - ۱۴ ضحی - ۱۵ ناس
 ۱۶ نازعات - ۱۷ لیل - ۱۸ ماعون - ۱۹ مرسلات - ۲۰ نباء - ۲۱ قریش - ۲۲
 نجم - ۲۳ انشقاق - ۲۴ عبس - ۲۵ همزه - ۲۶ کافرون - ۲۷ غاشیه - ۲۸ قیامه
 ۲۹ تین - ۳۰ واقعه - ۳۱ رحمان - ۳۲ حمد - ۳۳ عادیات - ۳۴ حاقه - ۳۵
 مسد - ۳۶ فلق - ۳۷ بلد - ۳۸ تکاثر - ۳۹ فیل - ۴۰ فجر - ۴۱ زلزال - ۴۲ قارعه
 ۴۳ صافات - ۴۴ معارج - ۴۵ مطففین - ۴۶ قدر - ۴۷ ذاریات - ۴۸ قمر - ۴۹
 قلم - ۵۰ دخان - ۵۱ نوح - ۵۲ مزمل - ۵۳ طه - ۵۴ حجر - ۵۵ شعراء - ۵۶
 دهر (انسان) - ۵۷ ص - ۵۸ ق - ۵۹ یس - ۶۰ مومنون - ۶۱ زخرف - ۶۲ انبیاء
 ۶۳ جن - ۶۴ مریم - ۶۵ بینه - ۶۶ فرقان - ۶۷ ملک - ۶۸ ابراهیم - ۶۹ نحل
 ۷۰ کهف - ۷۱ سجده - ۷۲ اسراء - ۷۳ نمل - ۷۴ زمر - ۷۵ جائیه - ۷۶ تغابن
 ۷۷ هود - ۷۸ فصلت - ۷۹ روم - ۸۰ اعراف - ۸۱ انعام - ۸۲ عنکبوت - ۸۳
 سباء - ۸۴ یونس - ۸۵ یوسف - ۸۶ قصص - ۸۷ مومن - ۸۸ لقمان - ۸۹ شوری

- ۹۰ بقره - ۹۱ فاطر - ۹۲ محمد - ۹۳ انفال - ۹۴ صف - ۹۵ احقاف - ۹۶ جمعه
 - ۹۷ آل عمران - ۹۸ منافقون - ۹۹ حج - ۱۰۰ حشر - ۱۰۱ حدید - ۱۰۲ احزاب
 - ۱۰۳ نساء - ۱۰۴ رعد - ۱۰۵ نور - ۱۰۶ فتح - ۱۰۷ طلاق - ۱۰۸ حجرات -
 ۱۰۹ توبه - ۱۱۰ نصر - ۱۱۱ مجادله - ۱۱۲ ممتحنه - ۱۱۳ تحریم - ۱۱۴ مائده

مقایسه موقعیت برخی سوره ها در دو لیست برگزیده

نام سوره	لیست بازرگان	لیست ابن عباس
عبس	۲۴	۲۴
اخلاص	۵	۲۲
انشراح	۱۳	۱۲
دخان	۵۰	۶۴
انفال	۹۳	۸۸
نور	۱۰۵	۱۰۲
توبه	۱۰۹	۱۱۳
بقره	۹۰	۸۷
حجرات	۱۰۸	۱۰۶
مائده	۱۱۴	۱۱۲

چنانکه به خوبی معلوم است نتیجه دو لیست مذکور به هم نزدیک ، و هردو از ترتیب رایج بسیار دورند .

لیست مرحوم مهندس بازرگان اشکالات کوچکی دارد. مثلاً سوره عادیات که در آن در ردیف ۳۳ واقع است با واقعیت های تاریخی ناسازگار است، زیرا آن سوره، سوره ای است «جنگی» و محل آن باید خیلی نزدیک به سوره انفال (که تقریباً پس از وقوع اولین جنگ نازل شده است) باشد.

علت پیدایش این اشکال نیز این است که مبنای کار آن بزرگوار این پیش فرض بوده که «شاخص طول آیه» (تعداد کلمات در سوره، تقسیم بر آیات همان سوره) بطور ثابت رو به افزایش است، و البته، این، در مورد سوره عادیات (و چند مورد دیگر) به استثناء خورده و ظاهراً ضرورت های دیگر (مثلاً لزوم تهییج مردم برای آمادگی های جهادی) سبب شده که صاحب قرآن به نوع گفتارِ اوائل نزول وحی برگردد و مجدداً قَسَم و جملات کوتاه حماسی را بکار گیرد.

چند اشکال دیگر از این نوع اشکال ها نیز وجود دارد که از ذکر تک تک آنها برای رعایت اختصار میگذریم و البته باید بدانید که آن لیست از لحاظ ملاک حروف مقطعه هم (که نظر اختصاصی این قلم است) چندین اشکال جدی دارد.

ذکر چند مورد اختلاف آشکار نتایج مرحوم مهندس بازرگان با مسلمات

تاریخ اسلام و علل آن

الف) موارد آشکار اختلاف

شکی نداریم که مرحوم مهندس بازرگان، نسبت به این نگارنده، اطلاعات روشن تر و بهتری از تاریخ اسلام داشت، و برخی مغایرت های آشکار و غیر قابل انکاری را که نتیجه تحقیقش (که همان ذکر تاریخ نزول برخی از آیات و سوره ها باشد) با وقایع مسلم تاریخی دارد، به خوبی دریافته بود، مثلاً اینکه:

۱- آیات تغییر قبله (۱۴۲ تا ۱۵۰ سوره بقره) نمیتوانست آنقدر دیر نازل شده باشد (به گفته آن بزرگوار - در صفحه ۱۴۷ کتابش - در سال پنجم پس از هجرت) بلکه به

حکم عقل و قول مورخین معتمد و روایات متواتر که مورد استفاده اشخاص بصیر و دقیق قرار گرفته ، تاریخ تغییر قبله ۱۷ ماه پس از هجرت است ، و این چیزی است که آن بزرگوار نمیتوانسته از آن غافل باشد و حتما آن را میدانسته است .

۲- آیات ۱ تا ۴۴ سوره انفال (که حاوی تحلیل هایی از جنگ بدر است نمیتواند در سال اول هجرت نازل شده باشد ، زیرا خود جنگ بدر در اوائل سال سوم هجری واقع شده است .

و همچنین است بقیه سوره انفال که به همان دلیل نمیتواند در ابتدای سال دوم هجری نزول یافته باشد .

۳- آیات ۱ تا ۱۹ سوره بقره نمیتواند شش سال قبل از هجرت نازل شده باشد ، زیرا منافقین در موقعیت وجود ثروت و قدرت ظاهر میشوند و پیامبر (ص) و یاران وفادارش در زمان مذکور قدرت و ثروتی نداشتند تا نزول آنهمه آیات در مورد منافقین موجه باشد (۳ آیه در مورد مومنین و ۲ آیه در مورد کافرین ، و ۱۳ آیه در مورد منافقین!) بلکه آیات مذکور در همان روزهای اول هجرت نازل شده اند که به او بگویند ای پیامبر این است حوزه ماموریت تو! با این ترکیب سیاسی و جمعیتی ، و به نفع نهضت است که خیلی در مورد منافقان حساس باشی .

۴- اینکه نزول سوره بقره (مطابق جدول ۱۴/ایشان) ۱۷ سال طول کشیده باشد به دلایل زیاد (عقلی و نقلی) نمیتواند درست باشد .

۵- سوره عادیات (که به شدت رنگ دعوت عمومی جهت آمادگی کامل برای جنگ قریب الوقوع دارد) نمیتواند ۱۲ سال قبل از هجرت نازل شده باشد ، زیرا مسلمانان در آن زمان کم و ضعیف بودند و اصلا در موقعیتی نبودند که حتی خیال برخورد جنگی با مخالفان قوی و کثیرشان را داشته باشند و اگر به آنان گفته میشد روزی خواهد رسید که کفار مزاحمتان نخواهند بود از شدت خوشحالی در پوست خویش نمی گنجیدند ، چه رسد به اینکه برای یک عمل جنگی تهییج شوند ، و اگر در آن روزها چنین سوره ای نازل میشد - به این عنوان که این پیغمبر سخنان نا معقول

میگوید - خیلی ها از دین خارج میشدند .
۶ - موارد دیگری هم هست ، اما اینقدر آشکار نیست ، و همین مقدار برای رساندن منظور کافی است و ما رعایت اختصار را ترجیح میدهیم .

ب) علل بروز موارد اختلاف در تحقیق آن بزرگوار

۱ - مبنای کار آن بزرگوار این فرضیه بوده که در طول تاریخ نزول وحی ، شاخص طول آیات (یعنی نسبت تعداد کلمات ، در یک دسته از آیات نازل ، تقسیم بر تعداد همان آیات) بطور ثابت سیر صعودی داشته است .
البته با مطالعه نتیجه کار آن بزرگوار ، چه از لحاظ لیست ترتیب نزول ، و چه از لحاظ تاریخ نزول ، و مقایسه با لیستهای دیگر ، بهتر بودن نتیجه کار ایشان محرز است ، اما به علت مشاهده اشکالات فوق الذکر معلوم میشود فرضیه مذکور که مبنای کار ایشان بوده بطور کامل و مطلق کارائی ندارد .

یعنی اینکه مبنای فوق الذکر «نسبتا» صحیح است ، و نه «مطلقا»
۲ - با توجه به اطلاع و اشراف خوبی که آن بزرگوار به تاریخ اسلام داشته (و/این مطلب از کلام ایشان در کتابشان پیداست) طبعا اولین کسی که متوجه آن ناکارآمدی شده ، خود ایشان بوده ، و علت اینکه نتیجهء حاصله را همانطور که حاصل شد واگذاشته ، روح بلند او و روحیه تحقیق گرای او بوده که در نقل قول های مستقیم از قلم خود او ذیلا نقل شده و این معنی را میرساند که آن بزرگوار فرضیه ای پیدا کرد ، و کنجکاو شد ، و تحقیق کرد ، و نتیجه فرضیه را هم یافت ، و به همان صورت هم برای آیندگان واگذاشت ، و این چیزی است که به وضوح از قلم خود او عیان است که ذیلا از کتاب ارجمند (سیر تحول قرآن) نقل قول میشود :

ص ۲۶ :

مطالعات روی سیر تحول قرآن با مقایسه و محاسبه روی آیات سوره ها که البته تعدادشان بی نهایت نیست انجام میگیرد و بعد از روی قرائن و قیاس ها حکم به آنچه

بیشتر به نظر محتمل می آید شده است .

بنا بر این از هم اکنون باید بگوئیم که نه نویسنده ادعای دقت و صحت قاطع در استنتاج های ارائه شده دارد و نه خوانندگان میتوانند چنین انتظاری را داشته باشند
ص ۲۸:

بطوریکه مشهور است و مقبولیت عمومی در نزد شیعه و سنی دارد وارد ترین شخص به قرآن و اطلاع بر زمان و مکان نزول تک تک آیات شخص امیر المومنین علی علیه السلام بوده است . نوشته اند که قرآن تنظیمی آن حضرت به ترتیب نزول سوره ها بوده است ولی در خاندان ولایت محفوظ نگاه داشته شده ، مصلحت ندیده اند که با قرآن رسمی جمع آوری شده در زمان عثمان معارضه به عمل آید .
ص ۳۰:

اگر اجازه داشته باشیم قبول کنیم که در قرآن یک نظام یا نظام هائی وجود دارد که از طرف گوینده یا نازل کننده آن رعایت شده است و این رعایت نظم را معلول طبیعت یا مشیت دانسته ، آن را تصور یا تحمیلی از ناحیه خودمان و تحدیدی بر اراده و قدرت صاحب قرآن نگیریم ، در این صورت کافی است یکی از این نظام ها را بیرون زده ملاک تشخیص و ترتیب کار قرار دهیم .
ص ۳۳:

شاید بتوانیم حدس بزنیم که این قاعده کلیت داشته هر سوره که نازل شده است به طور متوسط تعداد کلمات و آیات آن ، که ما طول متوسط نامیدیم ، بیشتر از سوره قبلی بوده و به تدریج با سن پیغمبر یا با پیشروی اسلام افزایش یافته است . همین قضیه - اگر درست درآید - می تواند وسیله ردیف بندی سوره ها و شناختن زمان نزول آنها گردد .

ص ۳۲:

این قضایا سبب شد که احساس یا میل به عدم انتظار بی نظمی از قرآن تقویت گردد و این فرضیه به طور موقت قبول شود که طول متوسط آیات قرآن سال به سال - و شاید از سوره ای به سوره ی ما بعد - تدریجا افزایش یافته است .

ص ۴۱:

یک نظر اجمالی به این جدول و ردیف بندی سوره ها برحسب طول متوسط که می بایستی معرف ترتیب زمانی نزول آنها باشد نشان میدهد که احتمالا زیاد دور از حقیقت نیست:

ص ۵۴:

خداوند عهد و پیمان بسته و خود را ملزم ننموده است که تصنعا رعایت قاعده استنباطی ما را بنماید. قول هم نمیدهیم که چنین نشده باشد.

ص ۵۶:

اشکال ندارد در عین آنکه سیر تحول طول متوسط آیات در جهت ترقی کلی در طی زمان بوده باشد ولی از یک سوره به سوره بعدی دچار کم و زیادی گردد و نتواند معرف تقدم و تاخر دقیق حتمی سوره ها باشد.

ص ۶۵:

چه بسیار شنیده ایم که در اثناء جنگ یا به مناسبت واقعه خاص یا در جواب پرسش مومنین یا اهل کتاب آیه ای یا دسته آیاتی نازل شده است یا به دستور پیغمبر کاتبین وحی آن را در میان آیات دیگری قرار داده اند، یا بعدا در جمع آوری یا تدوین قرآن چنین کرده اند. مثل آیات مباهله، آیه تطهیر، آیه تبلیغ، و غیره ...

ص ۱۳۵:

پس به طور کلی و با تذکر اینکه از حساب احتمالات آماری هیچگاه انتظار دقت صد درصد و انطباق کامل با واقعیت (جز در مواردی که تعداد عناصر و افراد عملا بینهایت باشد) نمیتوان داشت و روی هیچ یک از طول مبناهای حساب شده سوره ها و گروه ها قسم نمی خوریم که نمی شود با ± 10 درصد آنها را پس و پیش کرد، من حیث المجموع فهرست پیشنهادی استخراج شده از محاسبات آماری مورد تأیید نسبی و اکثریت جداول دیگر می باشد و چون بالاخره مبتنی بر یک اصول و ارقام می باشد قابل قبول تر و مورد اعتماد تر از فهرست های قدیم و جدید باید تلقی شود.

ص ۱۶۳:

ضمنا روی این منحنی و روی منحنی تنزیل بر حسب آیات مختصر پس و پیش و بی
نظمی در سالهای سوم یا ششم هجرت دیده می شود که ممکن است ناشی از شمارش
آیات مربوطه یا اشتباه در تعیین سال نزول بعضی از سوره ها و گروه ها باشد .

ص ۱۶۴:

جدول ۱۵ اگر در مورد کلیه آیات قطعی نباشد به عنوان راهنما و تقریب اولیه می
تواند مورد استفاده قرار گیرد .

۲/۲ - کار تحقیقی این قلم

چنانکه در بالا ملاحظه فرمودید ، آن بزرگوار دائما به خواننده یادآوری میکند که هم
مبانی را «قطعی» و «مطلق» تلقی نکنند ، و هم نتیجه را . و جدول نهائی را نیز در
حدّ یک نتیجه تحقیق بر اساس آن مبانی مفروض تعریف نموده و آن را فقط یک
«راهنما» ارزیابی میکند .

البته باید هم اینطور باشد ، و هر کار تحقیقی باید توسط محقق چنین ارزیابی شود ،
اما چون موضوع تحقیق یک مقوله قرآنی است ، خواننده معمولی این انتظار نابجا را
دارد که «سخن مطلقا درست» و «حرف آخر» و «حقیقت مطلق» ببیند و بشنود که
البته بازهم عرض میکنیم انتظار بجائی نیست .

تحقیق ما نیز از این قاعده مستثنا نیست ، ما هم ادعای «حرف آخر» و «سخن مطلقا
صحیح» و امثال آن را نداریم ، ما میگوئیم زحمت محققان سلف را ارج می نهیم و
بهترین آنها را کار مرحوم مهندس مهدی بازرگان میدانیم و آن را به وسیله دو پدیده
نوظهور که در زمان آن بزرگوار هنوز پیدایش نیافته بود (یعنی «عصاره محتوای
سوره ها» و «رمز یابی معنی حروف مقطعه» تکمیل میکنیم ، که نتیجه را در دو

جا ، یعنی در لیست ترتیب نزول و نمودارهای تاریخ نزول ، ملاحظه خواهید کرد ، و اطمینان داریم در آینده کسانی ظاهر میشوند و به وسیله پدیده های نوظهور دیگری (که تاکنون پیدایش نیافته اند) این نتایج را تکمیل نموده و ارتقاء می بخشند . این قلم تحقیقی در خصوص چگونگی یافتن عصاره محتوای سوره ها انجام داده ، که نتایج آن مستقیماً در یافتن جواب پرسش این فصل کارائی دارد ولذا ذیلاً شرحی کوتاه راجع به تحقیق مذکور عرض میشود :

اهمیت روش

به یک نقاش هنرمند می گوئید یک دایره رسم کن . او این کار را به سهولت انجام می دهد . به او می گوئید دایره دیگری رسم کن که درست مانند اولی و هم اندازه آن باشد ، او ممکن است بتواند . در هر حال دایره ای رسم می کند . اما نمی توان مطمئن بود که به اندازه اولی است مگر اینکه امتحان شود . یعنی یکی از آنها بر دیگری منطبق شود . تازه اگر منطبق هم بشوند معلوم نیست دایره باشند . شاید بیضی هایی باشند که بسیار شبیه دایره اند و برای اثبات دایره بودن آنها باید آزمایش هایی - نه چندان آسان - نمود .

تازه ، این کار سخت ، یعنی کشیدن دایره ای که دایره باشد و دایره دیگری که مثل اولی باشد کار هر کس نیست . نقاش هنرمند می خواهد . اما اگر یک ابزار ساده دایره کشی ، یعنی یک پرگار ، بدست حتی یک بچه هم بدهیم ، او قادر خواهد بود هر تعداد دایره ای که از او خواسته شود بکشد . اگر شعاع خاصی را برایش مشخص کنیم می تواند بینهایت دایره بکشد که همه با هم مساوی باشند . مثال فوق اهمیت روش را برای ما روشن می کند .

آموزش روش

استخراج عصاره محتوای پاراگراف های قرآنی (راه اول)

برای اینکار ، اول عصاره محتوای کل سوره را استخراج میکنیم ، آنگاه عصاره محتوای هر پاراگراف ، که برابند عصاره کل سوره و متن پاراگراف خواهد بود ، مستقیماً و به سهولت بدست می آید .

برای استخراج عصاره محتوای کل سوره ، به روش زیر عمل میکنیم :

در اینجا یکی از سوره های کوچک - سوره فجر - برگزیده شده تا ضمن آموزش روش ، از طولانی شدن متن احتراز شود .

۱- اولاً در جدولی مانند (جدول ۱) اجزاء و عناصر سوره را کلمه شماری می کنیم .

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ ﴿٤﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾ وَتَمُودَ الَّذِي جَانَبُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَاكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَخَافُونَ عَلَى الطَّعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ وَتَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّا إِذَا دُخِلَ الْأَرْضُ دُخَاً دُخَانٌ ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

جدول (۱)

آیه	عنوان اصلی	عنوان فرعی	توضیح مختصر در صورت لزوم	تعداد کلمه
۱-۵	قسم	عناصر طبیعی	سپیده دم، جفت و تک، انتهای شب	۱۴

۱۳-۶	مردم	گذشتگان	فرعون و ثمود و ... طغیان، هلاکت	۳۵
۱۴	خداوند	افعال	کمین‌کشی در مورد طاغیان	۳
۱۵-۱۶	مردم	انسان	نکوهش - مال را ملاک دوری و نزدیکی به خدا تصور می‌کنند	۲۱
۱۷-۲۰	مردم	انسان	نکوهش - وظایف مالی‌تان را انجام نمی‌دهید	۱۸
۲۱-۲۳	آخرت	قیامت	حوادث همزمان با وقوع قیامت	۲۰
۲۳-۲۶	آخرت	جهنم	عذاب کافران	۱۴
۲۷-۳۰	آخرت	بهشت	نعیم مؤمنان	۱۴
جمع				۱۳۹

۲- در جدولی مانند (جدول ۲)، جمع تعداد کلمات هر عنوان اصلی را بدست آورده و به ترتیب نزولی (از زیاد به کم) مرتب می‌کنیم:

جدول (۲)

ردیف	عنوان اصلی	توضیح مختصر در صورت نیاز	تعداد کلمه	درصد از کل
۱	مردم		۷۴	۵۳/۲
۲	آخرت		۴۸	۳۴/۵

۱۰/۱	۴۱		قسم	۳
۲/۲	۳		خداوند	۴
۱۰۰	۱۳۹		جمع	

۳- اینک با توجه به (جدول ۲) می‌دانیم «بیشترین» تکیه مطالب سوره ، بترتیب ، روی چه موضوعاتی است . اگر همین روند را پیگیری کنیم و بفهمیم هر «عنوان اصلی» (جدول ۲) چه تقسیماتی دارد و شامل چه «عنوان‌های فرعی» می‌شود کمک زیادی به روشنی مطلب می‌نماید و لذا دوباره به (جدول ۱) برمی‌گردیم و جدول‌هایی تشکیل می‌دهیم که «عنوان‌های اصلی» آنها مشترک و بترتیبِ اکثریتِ (جدول ۲) باشد .

جدول (۳/۱)

آیه	عنوان اصلی	عنوان فرعی	توضیح مختصر در صورت لزوم	تعداد کلمه
۶-۱۳	مردم	گذشتگان	فرعون و ثمود و ... طغیان، هلاکت	۳۵
۱۵ و ۱۶	مردم	انسان	نکوهش، مال را ملاک فضیلت می‌دانید	۲۱
۱۷-۲۰	مردم	انسان	نکوهش، وظایف مالی‌تان را انجام نمیدهید	۱۸
جمع				۷۴

۴- به همان ترتیبی که از (جدول ۱) به (جدول ۲) رسیدیم ، می‌توانیم از (جدول ۳/۱) به (جدول ۴/۱) برسیم:

(جدول ۴/۱)

عنوان اصلی	عنوان فرعی	توضیح مختصر در صورت لزوم	تعداد کلمه	درصد
مردم	انسان	نکوهش ، مال را ملاک فضیلت می‌دانید و وظایف مالی خویش را انجام نمی‌دهید	۳۹	۵۲/۷
مردم	گذشتگان	نکوهش ، طغیان آنها و هلاکشان	۳۵	۴۷/۳
جمع			۷۴	۱۰۰

نکته غالب در این جدول ، نکوهش «ملاک فضیلت دانستن مال» است . و این دستاوردمان در این مرحله است و چون این دستاورد در حقیقت از جدول ۴/۱ بدست آمده است می‌توانیم به اختصار آن را درج ۴/۱ بنامیم . بهتر این است که در این مرحله ، این دستاورد را ثبت کنیم :

«درج ۴/۱»: نکوهش انسان‌هایی که مال را ملاک فضیلت می‌دانند و به وظایف مالی خود عمل نمی‌کنند .

۵- به همین ترتیب ، بازاء هر عنوان اصلی در (جدول ۲) ، یک (جدول ۳) خواهیم داشت که یک (جدول ۴) هم از آن بدست خواهد آمد و از آن نیز ، یک «درج ۴» خواهیم داشت : یعنی خواهیم داشت :

«درج ۴/۲»: عذاب کافران و نعیم مؤمنان

«درج ۴/۳»: زمان، نور، روشنایی

«درج ۴/۴»: خداوند در کمینگاه است

۶- اینک همه دستاوردهایمان را (یعنی «درج ۴»ها را) در یک جدول گردآوری می‌نمائیم:

(جدول درج ها)

شماره جداول درج‌ها	عنوان اصلی	عنوان فرعی	ذکر مختصر «درج» مربوطه	درصد
۴/۱	مردم	انسان	مال را ملاک فضیلت می‌دانید و وظایف مالی خود را انجام نمی‌دهید	۵۳/۲
۴/۲	آخرت	بهشت و جهنم	عذاب کافران و نعيم مؤمنان	۳۴/۵
۳/۴	قسم	عناصر طبیعی	زمان، نور، روشنائی	۱۰/۱
۴/۴	خداوند	افعال	در کمینگاه است	۲/۲

۷- اینک باید از جدول فوق که عناصر آن، هر کدامش یک «دست‌آورد» است ، یک «دست‌آوردِ دست‌آوردها» بدست بیاوریم ، یعنی همان عصاره مورد جستجو را که آن را «درس» سوره مینامیم .

برای این کار باید روی «جدول درج‌ها» دقیق و متمرکز شویم .
با توجه به درصدها ، «وزن» همان ردیف اول جدول «درج‌ها» بیش از ۵۰٪ کل سوره است و لذا بیشترین سهم را در بوجود آمدن «درس» خواهد داشت.
بطور خلاصه ، دیدِ حاصل از سطر اول ، این است که در آن سطر، اشخاصی که مال را ملاک فضیلت می‌دانند مورد نکوهش قرار می‌گیرند . اگر با این دید به سطرهای دیگر نگاه کنیم ، سطر ۲ و سطر ۴ را نیز با این مفهوم هماهنگ می‌بینیم . به این معنا که در سطر ۲ به این نوع افراد هشدار عذاب و به اعداد آنها وعده بهشت می‌دهد و در سطر ۴ نیز خداوند را در کمینگاه توصیف می‌نماید که با همین معنا هماهنگ است . لذا با جمع‌بندی که از سه سطر مذکور بعمل می‌آوریم می‌توانیم به چنین خلاصه و عصاره ای برسیم :

عصاره محتوای سوره : نکوهش مال دوستی افراطی ، و ارزش دانستنِ آن ، و هشدار به کسانی که چنین صفتی دارند .

(البته همین موضوع از یک «راه دوم» هم میسور است که چون شرحش طولانی است و به بحث اصلی این کتاب نیز چندان مربوط نیست از ذکر آن در اینجا خودداری میکنیم اما ضمناً عرض میکنیم که این موضوعات در کتاب «آموزش تفسیر قرآن» ما توضیح داده شده و در سایت [که در صفحه دوم این کتاب معرفی شده] موجود است)

مبانی این روش

این روش به سیره عقلاء و نیز روش موعظه کنندگان (که ضمناً یکی از نامهای قرآن موعظه هم هست) متکی است .

عقلاء از کمیت به مفاهیم منتقل میشوند ، مثلاً کارهای آمارگران و ساینتیستها در امور علوم تجربی و تحلیلگران سازمان ملل که بعضاً از شمارش واژه های پر تکرار در نطق های سران ممالک نتایج مفهومی میگیرند ، همه از شمارش (یعنی کمیت) موضوعاتی که با آن درگیر هستند به نتیجه گیری میرسند که از جنس مفاهیم است. علاوه بر این قرآن موعظه است و ما وقتی معنی موعظه را می فهمیم که روش موعظه گران را تحلیل کنیم :

روش موعظه گران اینطور است که سخن آنها جُنْگی است حاوی مطالب متنوع از قبیل داستان و استدلال و نقل سخن دیگران و غیره ، اما همه آن عناصر ، هر یک ، به منظور مشترکی میرساند و اگر کسی هریک از عناصر مذکور را تحلیل و منظور نهفته در آن را درک کند منظور موعظه گر را درک کرده است و ما هم در این روش دقیقاً همین کار را کرده ایم .

فواید این روش

نمیخواهیم وارد ذکر همه فواید این روش (که البته زیاد و مهم هم هست) بشویم ، اما، ناگزیریم یکی از آنها را که به موضوع این کتاب مربوط است ذکر کنیم :

با استفاده از این روش ، ابهام ۱۴۰۰ ساله حروف مقطعه گشوده شده ، و برای آنها معانیی قابل پذیرش پیشنهاد می‌شود .

سوره‌های دخان و زخرف و فصلت و جاثیه و احقاف و مؤمن (غافر) در ابتدای خویش با «حم» شروع می‌شوند.

«درس» سوره‌های فوق نیز کاملاً شبیه یکدیگر است و محتوای مشترک آنها «نکوهش عمد و اصرار در کفر و تکذیب پیامبر(ص) ، علیرغم روشن شدن حقیقت» می‌باشد . ملاحظه فرمودید؟ شش سوره داریم که با «حم» شروع شده ، از طرف دیگر محتوای آنها نیز (که در «درس» آنها متجلی است) یکی است .

این درحالی است که حجم آنها و ظاهرشان چنان با یکدیگر متفاوت است که حتی اگر موضوع فوق به قرآن پژوهان متبحر هم بدون مقدمه گفته شود باور نخواهند کرد تا اینکه نزدیک بیابند و جلوی چشمشان عملیات استخراج عصاره سوره انجام شود تا اینکه ناباورانه مجبور شوند حقیقت فوق را تصدیق کنند.

سوره‌های هود و حجر و ابراهیم و یونس و یوسف نیز با «الر» شروع می‌شوند . «درس» آنها نیز نوید رفع مشکلات پیامبر و پیروانش و پیروزی آنها بر مخالفانشان و موفقیت نهائی آنها در دنیا و آخرت می‌باشد.

در اینجا نیز همان چیزی را می‌بینیم که در مورد سوره های «حم» دار دیدیم . یعنی اینکه در اینجا نیز محتوای سوره‌های «الر» دار ، یکی است ، در حالیکه از لحاظ حجم سوره و مطالبی که به آنها پرداخته اند ، و غیره و غیره ، تفاوت های عظیمی دارند اما علیرغم این تفاوت های بزرگ ، عصاره محتوایشان یکی است .

سوره‌های لقمان و سجد و عنکبوت و روم و بقره و آل عمران نیز با «الم» شروع می‌شوند.

در اینجا نیز علیرغم اختلاف ظاهری شدید تر بین آنها ، مشابهت بسیار نزدیکی را در «درس» این سوره‌ها می‌بایم . سوره های لقمان و سجده تقریباً کمتر از یک دهم حجم سوره هائی مانند بقره و آل عمران را دارند ، اما با کمال تعجب می‌بینیم عصاره

محتوایشان یکی است .

باتوجه به این دستاوردها ، اولین چیزی که راجع به حروف مقطعه میتوان گفت این است که **حروف مقطعه رابطه معنی داری با محتوای سوره مربوطه دارند .**

اگر همه حروف مقطعه را یکجا به نظر آوریم ، اولین چیزی که به چشم می خورد این است که بعضی از آنها «تک» هستند (مانند یس و ص و ق و کهیص و...) و بعضی دیگر «دارای تکرار» میباشند (مانند حم و الم و الر) و بعضی دیگر «ترکیبی» اند (مانند المص و المر)

دقت در محتوای سوره هائی دارای حروف مقطعه ای مانند المص و المر نشان میدهد که محتوای آنها به محتوای سوره های دارای الم نزدیک ، و از محتوای سوره های دارای حم دورند .

علاوه بر آن، محتوای سوره های اخیر به محتوای سوره های دارای «الر» نیز نزدیکتر است تا به محتوای سوره های «حم» دار.

دقت بیشتر در موضوع اخیر ما را متوجه قرابت بسیار زیاد محتوای سوره های اعراف و رعد که حروف مقطعه آنها «المص» و «المر» است با سوره های دارای «الم» می کند. از نکته اخیر متوجه می شویم که حروف مقطعه مذکور خاصیت جمع و تفریق پذیری دارند. یعنی می توان با تفریق محتوای سوره های مذکور معنی «ص» و «ر» را یافت . با این ترتیب می توان معنی تک تک حروف مقطعه مذکور را یافت .

کشف مذکور بکر و بدیع است و در این هزار و چهارصد و اندی سال سابقه ای برای آن ثبت نشده و مبنای آن ، نه نقل قول است و نه حدس و گمان و نه استحسان و نه روایات ، بلکه مبنای آن مشاهده و تعمق و تدبر است که در استخراج عصاره محتوای سوره ها متجلی است .

بعبارت دیگر معنی حروف مقطعه در محتوای سوره های مربوط نهفته است ، و این قدم پیشنهادی ، فتح بابی است برای محققان آینده که معنی حروف مقطعه را در محتوای سوره ها بطور دقیق تر بیابند .

با توجه به آنچه راجع به سوره های «حم» دار و «الر» دار و «الم» دار گفته ایم ، فوراً به این نکته منتقل می‌شویم که هر یک از «حم» و «الر» و «الم» ها نماینده یک «دوره اجتماعی» خاص می‌باشند که اولی نماینده دوره ای است که وحی فقط به نکوهش شدیدِ عمد و اصرار و لجبازیِ کافرانِ علیرغم دانستنِ حقیقت اشاره دارد و دومی نماینده دوره ای است که علاوه بر آن به مومنانی که تحت فشار و آزار کفار می‌باشند دل‌داری و امید میدهد و سومی مربوط به دوره ای است که مومنان به نوعی از بلوغ رسیده اند که دیگر رفتارهای ناپسند کفار برای تغییر مسیر فکری شان کارائی ندارد. چیزی که از نکته اخیر برای استفاده در موضوع این کتاب استفاده میشود این است که :

تمام سوره های دارای «حم» متقدم اند بر تمام سوره های دارای «الر» و همه سوره های اخیر متقدم اند بر سوره های دارای «الم»
 بنا براین ما تا اینجا دو کلید داریم که با کمک آنها میتوانیم لیست مرحوم مهندس بازرگان را اصلاح و تکمیل کنیم :

۱ - عصاره محتوای سوره ها

اولین کاری که این قلم کرد این بود که هر یک از تمام ۱۱۴ سوره قرآن را روی کاغذ هایی به اندازه کارت ویزیت نوشت .

این کاری بود که بیش از حدود یک ساعت طول نکشید .

سپس پشت همان کاغذها برای هر سوره «درس» همان سوره (که خلاصه عصاره محتوای همان سوره باشد) را نیز نوشت . آنگاه کاغذها را برگرداند بطوریکه در هر کاغذ فقط «درس» سوره پیداست و نامش پیدا نیست . این کار در یک بعد از ظهر یک روز تعطیلی تمام شد .

دومین کار این بود که تمام این کاغذ ها را روی زمین در جلوی دید چیده و در محتوای «درس» سوره ها دقت نموده و با در نظر گرفتن اینکه محتوای «درس» سوره

ها «جهت دار» است و جهت آنها از مطالبی مانند «ایمان بیاورید» و «به آخرت اهمیت دهید» به طرف «جهاد کنید» و «انفاق کنید» و «در کار دین جدی باشید»، است، مرتب نمود و شماره بندی کرد و نتیجه را در یک کاغذ بزرگتری یادداشت کرد. این کار بارها انجام شد بطوریکه دیگر این تکرارها کافی تلقی شد، و این چند ماه طول کشید.

در اندک دقتی در لیست بدست آمده، فوراً دو دسته بزرگ از سوره ها متمایز شد، همانکه در دسته بندی های سنتی به «مکی» و «مدنی» نامگذاری میشود. قدم بعدی این بود که در خانواده بزرگ به اصطلاح مکی و مدنی تقدم و تاخر تعیین شود. چند ماه هم به این کار گذشت و در داخل دو خانواده بزرگ چند خانواده کوچکتر هم مشخص شد.

آنگاه ملاک هایی که در ابتدای این کتاب تحت عنوان «مشکلات خوانندگان عادی قرآن» مورد اشاره بوده در این مرتب کردن ها لحاظ شد، و ترتیب حاصل شماره خورد و لیست شد. این کار هم چند هفته طول کشید.

اینک لیستی بدست آمده بود که بر اساس محتوای سوره ها مرتب شده بود. این لیست با لیست مرحوم مهندس بازرگان مقایسه شد و جدولی ترتیب داده شد که نام سوره و شماره ترتیب مهندس بازرگان و شماره ترتیب این قلم در ستون هایی همسطر بودند، و چیزی که از این جدول بدست آمد این بود که غیر از سه چهار مورد که تفاوت ها (که حداکثر در حدود مثلاً ۴ + و ۳ - بود) خیلی زیادتر بود (مثلاً مورد مربوط به سوره عادیات و دو سه سوره دیگر مانند آن)، بقیه، خیلی نزدیک به لیست آن بزرگوار بود. اینطور بود که این قلم لیست آن بزرگوار را مبنا گرفت و بر اساس محتوای سوره ها آن را بهبود بخشید.

۲ - حروف مقطعه

طولی نکشید که این قلم متوجه مطلبی شد که که فوقاً در باره حروف مقطعه تشریح

گردید .

اینکه «تمام سوره های دارای «حم» متقدم اند بر تمام سوره های دارای «الر» و همه سوره های اخیر متقدم اند بر سوره های دارای «الم» ، نیز ، کلید مهمی برای اصلاح و تکمیل لیست اخیر بود ، که پس از اِعمال آن ، لیست ذیل بدست آمد و اینک چند سالی است که با وجود نظرِ دائما انتقادی ، فعلا ، این قلم به آن دلقرص و مطمئن است :

۱ عصر - ۲ توحید - ۳ حمد - ۴ زلزال - ۵ قارعه - ۶ ضحی - ۷ فلق - ۸ ناس -
۹ تین - ۱۰ لیل - ۱۱ شمس - ۱۲ طارق - ۱۳ قدر

۱۴ علق - ۱۵ قریش - ۱۶ تکاثر - ۱۷ بلد - ۱۸ همزه - ۱۹ فجر - ۲۰ نجم - ۲۱
عبس - ۲۲ کافرون - ۲۳ اعلی - ۲۴ مزمل

۲۵ انفطار - ۲۶ تکویر - ۲۷ حاقه - ۲۸ مرسلات - ۲۹ قلم - ۳۰ غاشیه - ۳۱ نباء
- ۳۲ طور - ۳۳ واقعه - ۳۴ رحمان - ۳۵ دهر - ۳۶ مطفین - ۳۷ قیامه - ۳۸
انشقاق - ۳۹ ق

۴۰ مدثر - ۴۱ نازعات - ۴۲ نوح - ۴۳ قمر - ۴۴ فیل - ۴۵ بروج - ۴۶ مسد -
۴۷ معارج - ۴۸ ذاریات - ۴۹ جن - ۵۰ کوثر
۵۱ دخان - ۵۲ زخرف - ۵۳ فصلت - ۵۴ جاثیه - ۵۵ احقاف - ۵۶ مومن - ۵۷
یس - ۵۸ شوری - ۵۹ سباء

۶۰ مومنون - ۶۱ ابراهیم - ۶۲ اسراء - ۶۳ هود - ۶۴ شعراء - ۶۵ یونس - ۶۶
انبیاء - ۶۷ صافات - ۶۸ ص

۶۹ قصص - ۷۰ نمل - ۷۱ مریم - ۷۲ یوسف - ۷۳ حجر - ۷۴ طه - ۷۵ انعام -
۷۶ اعراف - ۷۷ کهف

۷۸ فرقان - ۷۹ سجده - ۸۰ زمر - ۸۱ لقمان - ۸۲ عنکبوت - ۸۳ نحل - ۸۴ فاطر -
۸۵ روم - ۸۶ رعد - ۸۷ ملک - ۸۸ انشراح

۸۹ حج - ۹۰ بقره - ۹۱ بینه - ۹۲ ماعون - ۹۳ عادیات - ۹۴ صف - ۹۵ محمد -
۹۶ انفال - ۹۷ حشر - ۹۸ منافقون - ۹۹ جمعه - ۱۰۰ آل عمران

۱۰۱ تغابن - ۱۰۲ حدید - ۱۰۳ احزاب - ۱۰۴ نساء - ۱۰۵ نور - ۱۰۶ طلاق -
۱۰۷ فتح - ۱۰۸ ممتحنه - ۱۰۹ نصر - ۱۱۰ توبه - ۱۱۱ حجرات - ۱۱۲ مجادله -
۱۱۳ تحریم - ۱۱۴ مائده

استنتاج های اولیه

دقت در لیست بدست آمده در همان نگاه اولیه دو نکته را به خواننده القاء میکند :

- ۱ - در اوائل لیست ، محتوای سوره ها کاملاً «اعلامیه ای» است .
- ۲ - در اواخر لیست ، محتوای سوره ها کاملاً حالتی شبیه به «آنلاین» دارد و از اوضاع و احوال محیطی اطلاعات زیادی میدهد .
- ۳ - هرچه از اوائل لیست دور تر میشویم از حالت های اعلامیه ای کاسته و به حالت آنلاین افزوده میشود .

این چیزی است که فوراً دیده میشود و ضمناً کنجکاوی را هم تحریک میکند .
اگر به این کنجکاوی میدان داده شود ، بالاخره ۱۰ بازه زمانی مشخص به نظر می آید :

- ۱ - مرحله اول که سوره ها خیلی کوتاه و صرفا حاوی معارف پایه میباشند (سوره های ردیف ۱ تا ۱۳) [شامل سوره های عصر، توحید، حمد، زلزال، قارعه، ضحی، فلق، ناس، تین، لیل، شمس، طارق، قدر]
- ۲ - مرحله دوم که سوره ها اندکی بلند ترند و حاوی معارف پایه هم هستند اما کمی هم عنصر محیطی دارند (سوره های ردیف ۱۴ تا ۲۴) [علق، قریش، تکاثر، بلد، همزه، فجر، نجم، عبس، کافرون، اعلی، مزمل]
- ۳ - مرحله ای که بطور متمرکز به موضوعات مرتبط به قیامت و آخرت پرداخته شده (ردیف ۲۵ تا ۳۹) [انفطار، تکویر، حاقه، مرسلات، قلم، غاشیه، نباء، طور، واقعه، رحمان، دهر، مطففین، قیامه، انشقاق، ق]
- ۴ - مرحله ای که کم کم مخالفت های جدی محیط آشکار میشود اما هنوز چندان پر رنگ و غلیظ نیست (ردیف ۴۰ تا ۵۰) [مدثر، نازعات، نوح، قمر، فیل، بروج، مسد، معارج، ذاریات، جن، کوثر]
- ۵ - مرحله ای که مخالفت های مذکور به عمد و اصرار و لجبازی کور بدل میشود (ردیف ۵۱ تا ۵۹) [ادخان، زخرف، فصلت، جائیه، احقاف، مومن، یس، شوری، سباء]
- ۶ - مرحله داستانهای پیامبران سابق (ردیف ۶۰ تا ۶۸) [مومنون، ابراهیم، اسراء، هود، شعراء، یونس، انبیاء، صافات، ص]
- ۷ - ادامه مرحله فوق که همان مشخصه را دارد اما در محتوای سوره ها هرچه که به طرف انتهای آن میرویم تفصیل و استدلال بیشتری ملاحظه میکنیم (ردیف ۶۹ تا ۷۷) [قصص، نمل، مریم، یوسف، حجر، طه، انعام، اعراف، کهف]
- ۸ - مرحله پر رنگ تر شدن گفتمان استدلالی (ردیف ۷۸ تا ۸۸) [فرقان، سجده، زمر، لقمان، عنکبوت، نحل، فاطر، روم، رعد، ملک، انشراح]
- ۹ - مرحله پس از هجرت و استقرار حکومت (ردیف ۸۹ تا ۱۰۰) [احج، بقره، بینه، ماعون، عادیات، صف، محمد(ص)، انفال، حشر، منافقون، جمعه، آل عمران]

۱۰- ادامه مرحله قبل اما با این فرق که «جا افتادگی» حکومت پر رنگ تر به نظر می آید (ردیف ۱۰۱ تا ۱۱۴) [تغابن ، حدید ، احزاب ، نساء ، نور ، طلاق ، فتح ، ممتحنه ، نصر ، توبه ، حجرات ، مجادله ، تحریم ، مائده]

دفتر دوم

تعیین

زمان نزول

سوره ها

برای اینکه بتوانیم تاریخ نزول سوره ها را داشته باشیم ، چه مفروضات مطمئنی داریم؟ اولین فرض مطمئن ما ترتیب نزول سوره ها است که با این دقت تعیین کرده ایم و فعلا به نظر می آید «بهترین» است .

دومین فرض مطمئنی که داریم تاریخ شروع وحی و تاریخ هجرت و تاریخ وفات آنحضرت است .

اگر دو محور عمود برهم رسم کنیم که در محور افقی ، تاریخ بعثت و تاریخ وفات آنحضرت را در دو نقطه مشخص کنیم ، و سپس در نقطه نمایانگر وفات آنحضرت بر محور افقی خطی عمود کنیم و در آن عددی را که نشاندهنده مجموع کلمات وحی شده در زمان وفات است مشخص کنیم ، نقطه ای بدست می آید که از چپ به راست ، حالت صعودی دارد ، و از صفر به عدد ۷۷۸۵۱ میرسد .

فرض میکنیم این خط مورب صفر تا ۷۷۸۵۱ درست باشد ، در اینصورت ، برای اینکه تاریخ نزول سوره ها را مشخص کنیم ، می باید اندازه (یعنی تعداد کلمه) هر سوره را نسبت به عددکل اندازه قرآن (یعنی ۷۷۸۵۱) درصدگیری نموده ، و سپس این درصد حاصله را ضربدر اندازه خط مورب سابق الذکر بنمائیم ، در اینصورت نقطه ای که بدست می آوریم تاریخ پایان نزول اولین سوره خواهد بود ، اگر این کار را برای تمام ۱۱۴ سوره قرآن انجام دهیم ، تاریخ اتمام نزول همه سوره را خواهیم داشت .

اگر این کار را کنیم نتیجه ای حاصل خواهد شد که با مسلمات تاریخی (تاریخ هجرت، تاریخ تغییر قبله ، تاریخ جنگ بدر ، تاریخ فتح مکه ، و و و) جور در نمی آید و نسبت به این وقایع مسلم تاریخی انحراف زیادی خواهد داشت .

لذا ، باید مفروضات خویش را مورد نقد و تجدیدنظر قرار دهیم .

اولین چیزی که در باره اش تردیدی نداریم ترتیب نزول سوره و حجم آنها است که در جدول ذیل آمده است :

بدست آوردن حجم مجموع سوره ها
در هر مرحلهء نزول

مرحله	نام سوره	تعداد کلمه
۱	عصر	۱۸
۱	توحید	۱۹
۱	حمد	۲۷
۱	زلزال	۴۰
۱	قارعه	۴۰
۱	ضحی	۴۴
۱	فلق	۲۷
۱	ناس	۲۴
۱	تین	۳۸
۱	لیل	۷۴
۱	شمس	۵۸
۱	طارق	۶۵
۱	قدر	۳۳

٥٠٧	جمع	
٧٦	علق	٢
٢١	قريش	٢
٣٣	تكاثر	٢
٨٦	بلد	٢
٣٧	همزه	٢
١٤٣	فجر	٢
٣٦٣	نجم	٢
١٣٧	عبس	٢
٣٣	كافرون	٢
٧٦	اعلى	٢
٢٠٢	مزمّل	٢
١٢٠٧	جمع	
٨٦	انفطار	٣
١٠٨	تكوير	٣
٢٦٤	حاقه	٣
١٨٥	مرسلات	٣
٣٠٠	قلم	٣

۹۶	غاشیه	۳
۱۷۶	نباء	۳
۳۱۶	طور	۳
۳۸۱	واقعه	۳
۳۵۵	رحمن	۳
۲۳۹	دھر	۳
۱۷۵	مطففین	۳
۱۶۹	قیامہ	۳
۱۱۳	انشقاق	۳
۳۷۵	ق	۳
۳۳۳۸	جمع	
۲۵۷	مدثر	۴
۱۸۲	نازعات	۴
۲۳۱	نوح	۴
۳۴۲	قمر	۴
۲۷	فیل	۴
۱۱۳	بروج	۴
۲۷	مسد	۴
۲۱۷	معارج	۴

۳۶۴	ذاریات	۴
۲۹۰	جن	۴
۱۴	کوثر	۴
۲۰۳۷	جمع	
۳۵۰	دخان	۵
۸۵۲	زخرف	۵
۷۷۸	فصلت	۵
۴۹۵	جاثیه	۵
۶۵۱	احقاف	۵
۱۲۱۱	مومن	۵
۷۶۹	یس	۵
۸۴۱	شورا	۵
۸۳۹	سباء	۵
۶۷۸۶	جمع	
۱۰۰۹	مومنون	۶
۸۴۶	ابراهیم	۶
۱۵۸۵	اسراء	۶
۱۹۷۰	هود	۶

۱۳۵۵	شعراء	۶
۱۸۷۶	یونس	۶
۱۱۸۱	انبیاء	۶
۸۷۵	صفات	۶
۸۴۱	ص	۶
۱۱۵۳۸	جمع	
۱۴۵۴	قصص	۷
۱۱۷۰	نمل	۷
۹۷۱	مریم	۷
۱۶۸۲	یوسف	۷
۶۶۰	هجر	۷
۱۲۸۰	طه	۷
۳۰۵۱	انعام	۷
۳۱۷۶	اعراف	۷
۱۶۱۵	کهف	۷
۱۵۱۲۰	جمع	
۹۰۵	فرقان	۸
۳۷۶	سجده	۸

۱۱۷۸	زمر	۸
۵۵۰	لقمان	۸
۹۸۴	عنکبوت	۸
۱۸۶۲	نحل	۸
۷۸۲	فاطر	۸
۸۲۲	روم	۸
۸۳۴	رعد	۸
۳۳۷	ملک	۸
۳۱	انشراح	۸
۸۶۶۱	جمع	
۱۲۶۳	حجّ	۹
۵۸۰۷	بقره	۹
۱۰۵	بینہ	۹
۲۹	معاون	۹
۴۳	عاديات	۹
۲۳۳	صف	۹
۵۴۲	محمد	۹
۱۲۴۹	انفال	۹
۴۵۷	حشر	۹

١٩٠	منافقون	٩
١٧٨	جمعه	٩
٣٤٧٩	آل عمران	٩
١٣٥٧٥	جمع	
٢٥٠	تغابن	١٠
٥٨٥	حديد	١٠
١٣٢٧	احزاب	١٠
٣٨٧٣	نساء	١٠
١٣٨٥	نور	١٠
٢٨٩	طلاق	١٠
٥٧٣	فتح	١٠
٣٢٢	ممتحنه	١٠
٢٠	نصر	١٠
٢٥٧١	توبه	١٠
٣٤٩	حجرات	١٠
٤٧٢	مجادله	١٠
٢٥٠	تحریم	١٠
٢٨١٦	مائدہ	١٠
١٥٠٨٢	جمع	

نام مرحله	جمع تعداد کلمه در مرحله ها	جمع تا اینجا
۱	۵۰۷	۵۰۷
۲	۱۲۰۷	۱۷۱۴
۳	۳۳۳۸	۵۰۵۲
۴	۲۰۳۷	۷۰۸۹
۵	۶۷۸۶	۱۳۸۷۵
۶	۱۱۵۳۸	۲۵۴۱۳
۷	۱۵۱۲۰	۴۰۵۳۳
۸	۸۶۶۱	۴۹۱۹۴
۹	۱۳۵۷۵	۶۲۷۶۹
۱۰	۱۵۰۸۲	۷۷۸۵۱

دومین چیزی که در باره اش تردیدی نداریم دو «اصل موضوع» ذیل است :

الف - دو اصل موضوع

«اصل موضوع» ، بنا به تعریف ، به گزاره ای گفته میشود که قبول عام یافته ، اما ، قابل اثبات نیست . مثلاً این گزاره که میگوید « دو خط موازی یکدیگر را قطع نمیکند » ، گرچه تمام بار هندسه مسطحه را به دوش می کشد ، اما ضمناً قابل اثبات هم نیست و «اصل موضوع» نام گرفته است .
برای تعیین تاریخ نزول سوره ها نیز ما صحت تقریبی دو اصل موضوع ذیل را باور داریم :

اصل موضوع ۱

وحی به پیامبر (ص) ، پس از شروع ، به مدت طولانی قطع نشده است

البته - بنا بر روایات مقبول معقول - با توجه به مفاد سوره ضحی و نیز آیه ۲۳ سوره کهف ، وحی دو بار به مدت بسیار کوتاه قطع شد ، اما مدت انقطاع های مذکور آنقدر کوتاه بود که به اصل موضوع فوق ضرری نمیزند .
انقطاع وحی غیر از دو مورد ناچیز مذکور در قرآن سابقه دیگری ندارد و در تاریخ نیز همچنین .

هیچ مورخی چنین موضوعی را ذکر نکرده است ، و اگر چنین اتفاقی افتاده بود مخالفان آن حضرت اقداماتی (از قبیل تمسخر ، و امیدوار شدن - و حرکات منتج از آن - و غیره) میکردند و به علت اهمیت آن حضرت و قدرت مخالفانش ، در تاریخ ضبط میشد و به ما میرسید .

اصل موضوع ۲

در بازه های زمانی مشابه ، متوسط حجم نزولی وحی ثابت بود

اگر وحی را به مثابه یک نیاز برای پیامبران در نظر بگیریم ، مانند بشر که در بازه های زمانی مشابه ، متوسط حجم نیاز روزانه ی پایهء مواد غذایی او ثابت است ، میتوان قبول کرد که پیامبران نیز ، در بازه های زمانی مشابه ، متوسط وحی دریافتی شان ثابت بود .

با توجه به دستاورد قسمت قبلی این کتاب (یعنی قسمت مربوط به تهیه لیستی از ترتیب نزول سوره ها) ، و نیز با توجه به دو اصل موضوع فوق ، میتوانیم نموداری رسم کنیم که نشان دهد هر سوره - تقریباً - در چه تاریخی نازل شده است .

ب - مفروضات فرعی برای

رسم نموداری که زمان پایان نزول هر سوره را نشان دهد

اگر بخواهیم نموداری رسم کنیم که موضوع تیترا فوق را نشان دهد ابتدا باید دو خط عمود برهم رسم کنیم که ، خط افقی را باید اندکی بیش از تقریباً ۲۳ سال و خط عمودی را تا ۸۰۰۰۰ که اندکی بیش از کل تعداد کلمات قرآن است مدرج کنیم . اینک میتوانیم این مفروضات را داشته باشیم :

۱ - در روی محور افقی بطور حتم یک نقطه داریم که طول آن ، روز وفات رسول ارجمند اسلام (ص) و ارتفاع آن مجموع حجم وحی نازله است .

یعنی روی محور افقی عددی که نشاندهنده ۱۰ سال و ۲ ماه باشد که وفات پیامبر(ص) را نشان میدهد - که پایان نزول وحی هم هست - و روی محور عمودی عدد ۷۷۸۱۸ را خواهیم داشت که مجموع تعداد کلمات کل قرآن باشد .

میتوانیم این نقطه را علامت گذاری نموده و آن را نقطه ۱۰ (پایان مرحله دهم وحی) بنامیم .

۲ - همچنین در روی محور افقی نقطه دیگری داریم که طول آن روز اول هجری و ارتفاع آن مجموع حجم نازله تا هجرت است (یعنی روی محور افقی نقطه صفر و

روی محور عمودی عددِ نشان دهنده ۴۹۱۵۸)

میتوانیم این نقطه را نقطه شماره ۸ (پایان مرحله ۸) نامگذاری کنیم .

اگر این دو نقطه را به یکدیگر وصل کنیم نمودارِ مجموع کلمات نازله در بازه زمانی پس از هجرت را داریم .

در جدول های قبل سوره های مرحله های ۹ و ۱۰ را با تعداد کلمه های هر کدام داریم .

خطی را که به ترتیب فوق به دست آورده ایم ، از چپ به راست و از ابتدای مرحله ۹ تا انتهای مرحله ده به نسبت تعداد کلمه های شروع سوره های مرحله ۹ تا انتهای مرحله ۱۰ مدرج میکنیم و در اولین نقطه ۷ به دست آمده ، نام سوره حج ، و در انتها نام سوره مائده را می نویسیم .

اینک اگر از هریک از این نقطه ها که نام سوره ها را دارد یک خط بر محور افقی عمود کنیم ، نقطه بدست آمده ، تاریخ اتمام نزول آن سوره را نشان خواهد داد .
ما این کار را کرده و نتایج بدست آمده را در جدول هایی در صفحات آتی درج کرده ایم :

۳ - اینک یک خط افقی به ارتفاع مجموع تا آخر مرحله ۷ ، یعنی به ارتفاع عدد ۴۰۴۹۷ رسم نموده ، و خطی را که از وصل کردن نقطه شماره ۱۰ به نقطه شماره ۸ بدست آمده ، اگر به طرف چپ امتداد دهیم تا خط اخیر را (یعنی خط افقی به ارتفاع ۴۰۴۹۷) قطع کند ، نقطه ای که بدست می آید نقطه پایان مرحله ۷ است .
چرا؟

زیرا در مرحله های ۹ و ۱۰ شرایط سیاسی و اجتماعی ثابت و ظرفیت پیامبر (ص) نیز در حدّ اکثر بود و لذا شیب این دو مرحله (بنا بر «اصل موضوع» های پیشگفته) یکنواخت بود .

مرحله هشتم نیز همینطور بود زیرا در مرحله هشتم چند سوره «الم» دار ، مانند سوره های سجده و لقمان و عنکبوت و روم داریم که در مرحله نهم هم آنها را داریم (بقره

و آل عمران) و گرچه شرایط سیاسی فرق داشت ، اما شرایط روحی مسلمین (به دلیل «الم» ، هم در مرحله ۸ و هم در مرحله ۹) یکسان بود و به همین دلیل شیب را ثابت تلقی میکنیم .

۴ - در مرحله های ششم و هفتم که مسلمانان خیلی تحت فشار و آزار ، و پیامبر (ص) هم بسیار ناراحت بودند ، داستان های پیامبران سابق نازل میشد که نشان میداد چگونه دشمنانشان هلاک و خودشان پیروز شدند .

در آن روز ها این نوع آیات بشدت مورد احتیاج مسلمانان بود و مایه تسلی خاطرشان میگشت و لذا نزول این نوع سوره ها با سرعت و حجم بیشتری صورت میگرفت و لذا شیب منحنی نزول را اگر در این دوره دو برابر شیب خط قبلی تخمین بزنیم تخمین خوبی است .

یعنی می توانیم خط بدست آمده نمودار ممتد تا نقطه ۷ را با شیب دو برابر بطرف چپ امتداد دهیم تا خط افقی به ارتفاع ۱۳۹۰۰ کلمه را (که نشاندهنده مجموع تعداد کلمات نازله در انتهای مرحله ۵ است) قطع کند و نقطه بدست آمده را به نام نقطه شماره ۵ علامت بگذاریم .

۵ - درمورد مرحله پنجم میتوانیم به شیب ۱۳/۵ ساله مجموع مرحله های ۸ و ۹ و ۱۰ (یعنی شیب خط واصل نقاط ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰) برگردیم و استدلال مان هم این است که این دوره نیز مانند دوره اشاره شده «عادی» است . نه اول وحی است که پیامبر (ص) از شدت اشتیاق این پدیده جدید صبر از کف بدهد ، و نه مانند دوره شدت فشار است که نیاز به شدت و سرعت نزول پیام های امیدوار کننده باشد .

با این فرض شیب خط نمودار را به حالت پیش گفته بر میگردانیم و خطی بطرف چپ رسم میکنیم تا خط افقی به ارتفاع ۷۱۱۴ کلمه را قطع کند . نقطه بدست آمده ، نقطه ۴ (یعنی پایان مرحله چهارم) است .

با آنچه تا کنون دیده ایم ، تا اینجا اطلاعات بیش از ۹۰ درصد حجم وحی نازله را بر اساس مفروضات معقولی داریم .

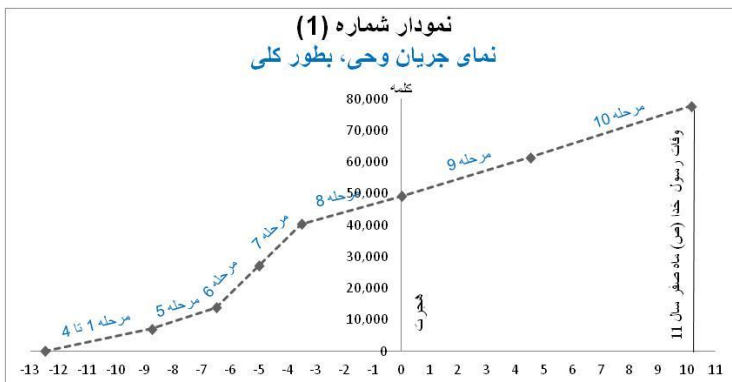
۶- در مورد بقیه نمودار ، یعنی از نقطه شروع نزول وحی تا انتهای مرحله چهارم ، اگر انتهای مرحله ۴ را به نقطه ۱۳/۱۵- روی محور افقی (که همان نقطه آغاز وحی باشد) وصل کنیم ، با تقریب بسیار مقبول درست خواهد بود.

چرا؟

زیرا تعداد زیادی سوره کوچک داریم که در بازه زمانی کوتاهی نازل شده اند و ما می باید زمان نزول آنها را مشخص کنیم ، و در صورتی که خطائی هم صورت پذیرد ، با توجه به زیادی تعداد سوره ها و کوتاهی بازه زمانی ، خطای احتمالی در حد چند روز پس و پیش خواهد بود که اهمیت چندانی ندارد .

لذا ، اینک کافی است چند خط افقی به ارتفاع های مجموع مرحله ۱ و مجموع مرحله های ۱ و ۲ و مجموع مرحله های ۱ و ۲ و ۳ رسم کنیم تا خط پیش گفته را قطع کنند ، در اینصورت نقاط انتهائی مرحله های ۱ و ۲ و ۳ به دست می آید ، حالا اگر از این نقاط خطوطی بر محور افقی عمود کنیم زمان پایانی هر مرحله را خواهیم داشت ، و آنگاه میتوانیم با درصد گیری سهم هر سوره از آن مرحله ، نقطه زمانی پایان نزول آن سوره را هم مشخص کنیم .

ما این کار را کرده ایم و نتیجه همان چیزی است که ذیلا ملاحظه می فرمائید :



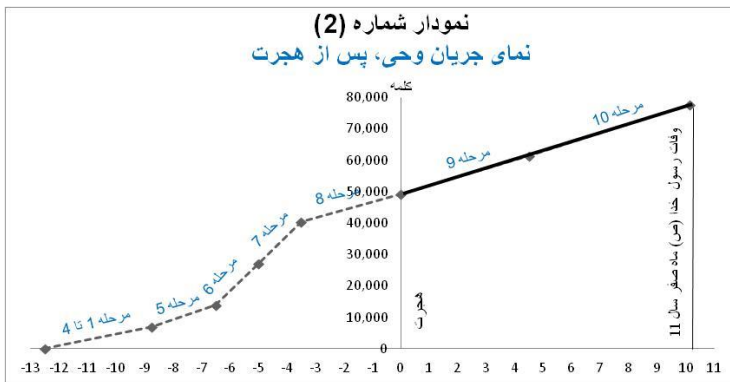
چیزی که فوراً در تحلیل نمودار فوق متوجه اش میشویم این است که مرحله های ۱ تا ۴ که حجم بسیار کمی (حدود ۹ درصد) دارند زمان زیادی (حدود ۱۷ درصد) را به خویش اختصاص داده اند .

علت آن این است که وحی پدیده جدیدی بود و برای اینکه مخاطبان با آن ارتباط برقرار کنند وقت زیاد تری نسبت به سالهای بعد لازم بود . سالهایی که مخاطبان کاملاً به آن خو کرده و حتی نسبت به آن نوعی عادت خوشایند پیدا کرده بودند .

این موضوع را وقتی خیلی بهتر درک میکنیم که همین موضوع را در مرحله اول نزول وحی ببینیم که در آن ، کمتر از یک درصد کل وحی ، به مدتی حدود دو و نیم درصد از کل زمان آن ، نیاز داشت .

همچنین شیب تند مجموع مرحله های ۶ و ۷ که حدود ۳۵ درصد از حجم کل وحی را شامل میشود و در مدتی کمتر از ۱۰ درصد کل زمان نزول وحی نازل شده است ، از این لحاظ مفهوم است که روزهای مرحله های ۶ و ۷ روزهای فشار و ناراحتی مومنان بود ، و سوره هایی که با این حجم و دبی زیاد نازل میشدند ، بشدت دارای بار دلداری دادن و وعده به اینکه وضعتان بکلی در جهت مطلوب تغییر خواهد کرد داشت ، و این ، درست همان چیزی بود که مومنان در آن روزها نیاز داشتند از خدای خویش

بشنوند .



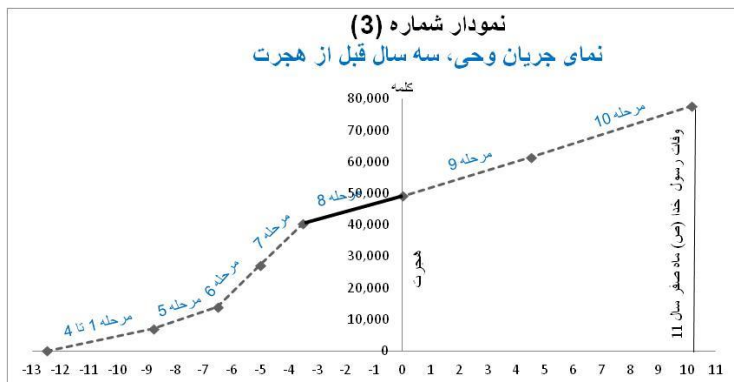
اینک که شمای کلی نمودار نزول وحی را دیدیم از همان جایی شروع میکنیم که رسم نمودار را از همانجا شروع کردیم ، یعنی از مرحله آخر نزول وحی .

مختصات نقطه آخر ، حجم ۷۷۸۵۱ کلمه در ستون عمودی ، و ۱۰ سال و کمتر از دوماه را در منتهی الیه ستون افقی داریم ، که زمان عروج آنحضرت بسوی ربّ جلیل است ، و تمام حجم وحی تا آن موقع نازل شده بود ، و مختصات نقطه ای که روی خط عمودی نماینگر هجرت است عدد ۴۹۱۹۴ را داریم که نمایشگر مجموع نزولات وحی از بعثت تا هجرت است .

	مرحله نهم
سوره انشراح	اواسط ماه سوم از سال اول هجری
سوره حجّ	از انتهای سوره انشراح

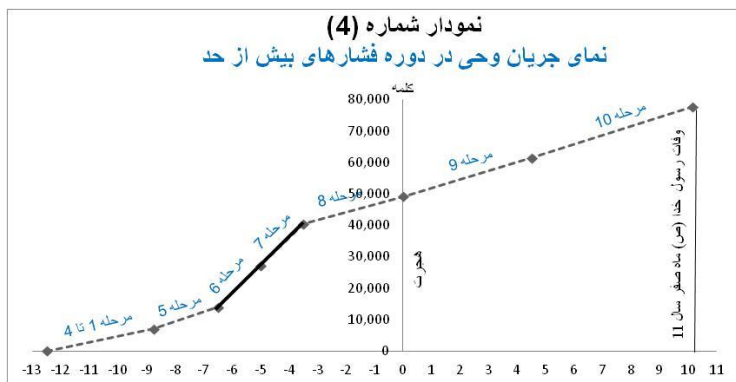
تا انتهای ماه هشتم از سال اول هجری	
از انتهای سوره حج تا اواسط ماه دهم از سال سوم هجری	سوره بقره
یک روز پس از انتهای سوره بقره	سوره بینه
یک روز پس از انتهای سوره بینه	سوره ماعون
یک روز پس از انتهای سوره ماعون	سوره عادیات
از انتهای سوره ماعون تا انتهای دهه اول از ماه آخر سال سوم هجری	سوره صف
از انتهای سوره صف تا تقریباً انتهای ماه دوم از سال چهارم هجری	سوره محمد (ص)
از انتهای سوره محمد (ص) تا اواسط ماه هشتم از سال چهارم هجری	سوره انفال
از انتهای سوره انفال تا اواخر ماه یازدهم سال چهارم هجری	سوره حشر
یک روز پس از انتهای سوره انفال	سوره منافقون
یک روز پس از انتهای سوره منافقون	سوره جمعه
از انتهای سوره جمعه تا اواسط ماه دوم سال ششم هجری	سوره آل عمران
	مرحله دهم
از انتهای سوره آل عمران تا انتهای ماه سوم از سال ششم هجری	سوره تغابن
از انتهای سوره تغابن تا پایان ماه چهارم سال ششم هجری	سوره حدید

سوره احزاب	از انتهای سوره حدید تا انتهای دهه اول از ماه آخر سال ششم هجری
سوره نساء	از انتهای سوره احزاب تا اواسط ماه چهارم از سال هشتم هجری
سوره نور	از انتهای سوره نساء تا انتهای دهه اول ماه دهم از سال هشتم هجری
سوره های طلاق و فتح و ممتحنه و نصر	از انتهای سوره نور تا اواسط ماه چهارم از سال نهم هجری
سوره براءت (توبه)	از انتهای سوره نصر تا ابتدای دهه آخر از ماه سوم سال دهم هجری
سوره حجرات	از انتهای سوره براءت تا انتهای ماه چهارم از سال دهم هجری
سوره مجادله	از انتهای سوره حجرات تا اواسط ماه ششم از سال دهم هجری
سوره تحریم	از انتهای سوره مجادله تا اواسط ماه هشتم از سال دهم هجری
سوره مائده	بعد از سوره تحریم تا ماه دوم از سال یازدهم هجری



مرحله هشتم	
سوره فرقان	از انتهای سوره کهف تا انتهای ماه هفتم از سال چهارم قبل از هجرت
سوره سجده	از انتهای سوره فرقان تا اواسط ماه دهم از سال چهارم قبل از هجرت
سوره زمر	از انتهای سوره سجده تا پایان ماه چهارم از سال سوم قبل از هجرت
سوره لقمان	از انتهای سوره زمر تا پایان ماه هفتم سال سوم قبل از هجرت
سوره عنکبوت	از انتهای سوره لقمان تا اواخر دهه اول از ماه اول سال دوم قبل از هجرت
سوره نحل	از انتهای سوره عنکبوت تا انتهای ماه یازدهم از سال دوم قبل از هجرت
سوره فاطر	از انتهای سوره نحل تا اواسط ماه چهارم از سال اول

سوره روم	از انتهای سوره فاطر تا اواسط ماه چهارم از سال اول قبل از هجرت
سوره رعد	از انتهای سوره روم تا انتهای دهه اول از ماه اول سال یکم هجری
سوره ملک	از انتهای سوره رعد تا اواسط ماه سوم سال اول هجری

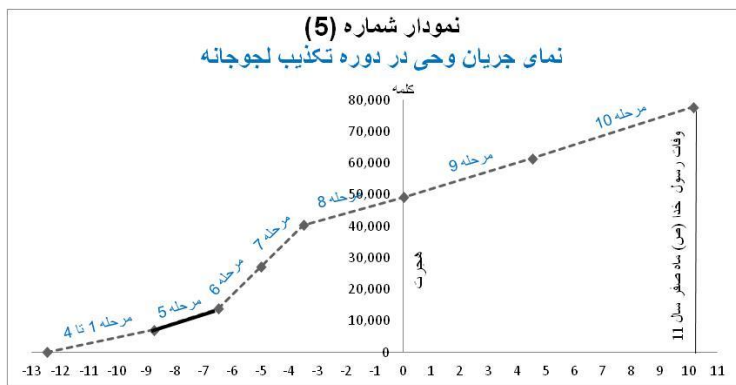


مرحله ششم	
سوره مومنون	از انتهای سوره سباء تا اواخر ماه دوازدهم از سال هفتم قبل از هجرت

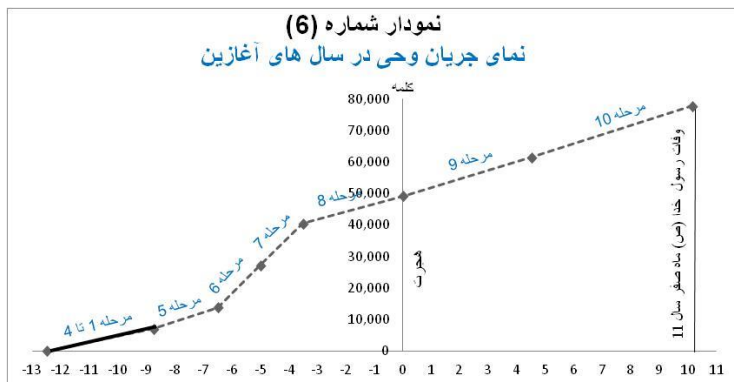
سوره ابراهیم	از انتهای سوره مومنون تا انتهای ماه اول از سال ششم قبل از هجرت
سوره اسراء	از انتهای سوره ابراهیم تا اواسط ماه سوم از سال ششم قبل از هجرت
سوره هود	از انتهای سوره اسراء تا اواسط ماه پنجم از سال ششم قبل از هجرت
سوره شعراء	از انتهای سوره هود تا تقریبا یکماه پس از آن
سوره یونس	از انتهای سوره شعراء تا اوایل ابتدای دهه سوم از ماه هشتم از سال ششم قبل از هجرت
سوره انبیاء	از انتهای سوره یونس تا انتهای ماه نهم از سال ششم قبل از هجرت
سوره صافات	از انتهای سوره انبیاء تا اواسط ماه دهم از سال ششم قبل از هجرت
سوره ص	از انتهای سوره صافات تا اوایل دهه اول از ماه یازدهم سال ششم قبل از هجرت

مرحله هفتم	
سوره قصص	از انتهای سوره ص تا اواسط دهه اول از ماه اول سال پنجم قبل از هجرت
سوره نمل	از انتهای سوره قصص تا اواسط ماه دوم از سال پنجم قبل از هجرت
سوره مریم	از انتهای سوره نمل تا تقریبا پایان ماه دوم از سال پنجم قبل از هجرت

سوره یوسف	از انتهای سوره مریم تا اواخر ماه چهارم از سال پنجم قبل از هجرت
سوره حجر	از انتهای سوره یوسف تا اوایل دهه آخر ماه پنجم از سال پنجم قبل از هجرت
سوره طه	از انتهای سوره حجر تا اوایل دهه آخر ماه پنجم از سال پنجم قبل از هجرت
سوره انعام	از انتهای سوره طه تا انتهای ماه نهم از سال پنجم قبل از هجرت
سوره اعراف	از انتهای سوره انعام تا اواسط ماه اول از سال چهارم قبل از هجرت
سوره کهف	از انتهای سوره اعراف تا انتهای ماه دوم از سال چهارم قبل از هجرت



مرحله پنجم	
سوره دخان	در طول نیمه اول از ماه سوم از سال هشتم قبل از هجرت
سوره زخرف	از نیمه دوم ماه سوم تا اوائل ماه ششم از سال هشتم قبل از هجرت
سوره فصلت	از اوائل ماه ششم از سال هشتم تا اواخر ماه هشتم از سال هشتم قبل از هجرت
سوره جاثیه	از انتهای سوره فصلت تا نیمه اول ماه دهم از سال هشتم قبل از هجرت
سوره احقاف	از انتهای سوره جاثیه تا نیمه اول ماه دوازدهم از سال هشتم قبل از هجرت
سوره مومن	از انتهای سوره احقاف تا دهه اول از ماه چهارم از سال هفتم قبل از هجرت
سوره یس	از انتهای سوره مومن تا پایان ماه ششم از سال هفتم قبل از هجرت
سوره شوری	از انتهای سوره یس تا دهه اول از ماه نهم از سال هفتم قبل از هجرت
سوره سباء	از انتهای سوره شوری تا آخر ماه یازدهم سال هفتم قبل از هجرت



سال نزول	سوره (به ترتیب نزول)
از ماه دهم سال ۱۳ قبل از هجرت تا بیستم ماه چهارم سال ۱۲ قبل از هجرت (تقریباً شش ماه اول از بعثت) (چون این سوره ها خیلی کوتاه می باشند، لذا، تعیین تاریخ تک تک آنها چندان لزومی ندارد ولی اگر کسی مایل باشد میتواند به همان روشی که ما در مورد سوره های بلند تر عمل کرده ایم عمل کند، ضمناً دو ماه سکوت وحی - موضوع سوره ضحی - نیز در نظر گرفته شده است)	سوره های مرحله ۱ شامل سوره های به ترتیب: عصر، توحید، حمد، زلزال، قارعه، ضحی، فلق، ناس، تین، لیل، شمس، طارق، قدر.
از دهه آخر ماه چهارم سال ۱۲ قبل از هجرت تا حدود پایان ماه ذی الحجه همان سال (چون این سوره ها خیلی کوتاه می باشند، لذا، تعیین تاریخ تک تک آنها چندان لزومی ندارد ولی	سوره های مرحله ۲ شامل سوره های به ترتیب: علق، قریش،

اگر کسی مایل باشد میتواند به همان روشی که ما در مورد سوره های بلند تر عمل کرده ایم عمل کند)	تکاثّر ، بلد ، هُمزه ، فجر ، نجم ، عبس ، کافرون ، اعلی ، مزمل .
از اواخر ذی الحجه سال دوازده قبل از هجرت تا اواسط ماه ذی الحجه سال دهم قبل از هجرت . (چون این سوره ها خیلی کوتاه می باشند ، لذا ، تعیین تاریخ تک تک آنها چندان لزومی ندارد ولی اگر کسی مایل باشد میتواند به همان روشی که ما در مورد سوره های بلند تر عمل کرده ایم عمل کند)	سوره های مرحله ۳ شامل سوره های به ترتیب : انفطار ، تکویر ، حاقه ، قلم ، غاشیه ، نباء ، طور ، واقعه ، رحمان ، دهر ، مطفین ، قیامه ، انشقاق ، ق .
از اواسط ذی الحجه سال دهم قبل از هجرت تا اواخر صفر سال هشتم قبل از هجرت (توضیح مانند بالا)	سوره های مرحله ۴ شامل سوره های به ترتیب : مدثر ، نازعات ، نوح ، قمر ، فیل ، بروج ، مسد ، معارج ، ذاریات ، جن ، کوثر .

۳

ارزیابی نمودارها و جدول های حاصله

اگر نمودار فوق را با واقعیت های مسلّم تاریخی پس از هجرت مقایسه کنید (مثلا با وقایعی مانند جنگ بدر و احد و خندق و صلح حدیبیه و فتح مکه و امثال آن) خواهید دید نمودار های فوق با زمان وقوع آن وقایع هماهنگ است ، یعنی سوره انفال کمی پس از وقوع جنگ بدر ، و سوره آل عمران کمی پس از جنگ احد ، و سوره احزاب

کمی پس از جنگ خندق ، و سوره فتح کمی قبل از فتح مکه ، و سوره توبه کمی پس از فتح مکه نازل شده است ، و باید هم اینطور باشد زیرا سوره های مذکور حاوی تحلیل هائی از وقایع مذکور و نتایج آنهاست و باید پس از وقوع آنها نازل شده باشد . تطابق تاخیری کوتاه مدتِ زمان نزول این سوره ها با وقایع مذکور نشاندهنده درستی نمودار - لا اقل در بخش پس از هجرت - است .

از موضوع فوق میتوان نتیجه گرفت که نمودار مذکور در سایر موارد نیز میتواند درست باشد ، زیرا اگر با توجه به مفروضات قبلی ، شیب خطِ واصل بین دو نقطه ۸ تا ۱۰ را تغییر نمی دادیم - چنانکه آن استاد فقید سعید ثابت گرفت - شروع وحی به جای سال (۱۳-) از (۱۷-) نیز زودتر می بود که یک خطای واضح و غیر قابل اغماض است و نشان میدهد این مفروضاتِ درستِ این قلم بوده که به نتایج درست منجر شده است .

بررسی انتقادی دقت و قابلیتِ جدول ها و نمودارهای فوق

۱ - اساس کار این قلم مبتنی بر شمارش کلمات نازله از سوی سیستم وحی رسانی است ، چه برای استخراج عصاره محتوای سوره ها و همچنین عصاره محتوای پاراگراف ها ، و چه برای رسم نمودار زمان نزول است ، چنانکه فوقا دیده اید .

اما ، باید بدانیم که ۱۳۰۰ سال است که اختلافاتی در ملاکات تعریف «کلمه» و مترتب بر آن ، تعداد کلمات در قرآن وجود دارد .

ممکن است این سوال پیش بیاید که شما به کدامیک از این مکاتب مختلف گرایش دارید و اگر به فلان وبهمان مکتب دیگر گرایش می یافتید چه تغییری در نتیجه کارتان حاصل میشد؟

این قلم در جواب عرض میکند که تغییری حاصل نمیشد ، زیرا ، علیرغم تعدد و تخالف مکاتب مذکور نتایج همه آنها ، گرچه مختلف است ، اما ، به یکدیگر خیلی نزدیک است ، بطوریکه (علیرغم احترام زیادی که همه ما برای علمای عالقدر سلف قائلیم) ممکن است کسی به شوخی بگوید مگر بیکار بودند که اینقدر برای چیزهایی چنین غیر ضروری مته بر خشخاش می گذاشتند ؟

این قلم به هیچکدام از آن مکاتب سلف گرایشی نیافت و کلمه را برای خویش اینطور تعریف کرد که بجز «و» هر چه که در قرآن های رایج قبل و بعدش فضای خالی باشد ، یک کلمه است ، مثلاً فسیکی که ما لله یک کلمه است و ق هم (در آیه ق و القرآن المجید) یک کلمه است ، مثلاً همین آیه اخیر الذکر میشود سه کلمه ، ضمناً اگر به هریک از آن مکاتب هم گرایش میداشتیم در نتیجه تغییری حادث نمیشد. (امتحان فرمایید!)

۲ - نظر غالب در بین قرآن پژوهان این است که سوره های قرآن (توجه فرمایید : سوره ها ، نه کل قرآن) به همین صورت که هست ، در زمان رسول خدا (ص) و به دستور خود آن حضرت ، ترتیب یافته اند . مثلاً آیاتی در جایی نازل میشده و آن حضرت به کاتبان وحی می فرمودند : این آیات را در فلان سوره و در فلان محل آن قرار دهید . به عبارت دیگر از نظر پیامبر (ص) ، و (علی القاعده بر حسب وحی) آن آیات به آنجایی که تعلق داشتند فرستاده میشدند .

یعنی هر سوره یک واحد مستقل است که هویت و مشخصات مخصوص به خویش را دارد ، بطوریکه اگر آیاتی از آن جدا شود یا آیاتی از سوره های دیگر به آن اضافه شود ، این حذف و اضافه را نمی پذیرد .

لذا اگر برحسب مقتضیاتِ مربوط به واقعیت های اجتماعی ، چند آیه از سوره ای از لحاظ زمان و مکان با تقدم و تاخري نسبت به بقیه آیاتِ همان سوره نازل شوند ، راجع به این تقدم و تاخر فقط باید صبر شود تا زمانش برسد و به محل صحیح خویش هدایت شوند تا همگی بتوانند به یکدیگر پیوندند و هویت و شخصیت کامل خویش را بیابند .

بنابراین در موضوع ترتیب نزول ، یک سوره را ، صرف نظر از اینکه ممکن است چند آیه اش زودتر یا دیرتر نازل شده باشد ، نباید با ترتیب نزول همان چند آیه یکی دانست .

مثلا همه میدانیم که اولین نزولات وحی ، پنج آیه اول سوره علق است ، اما باید توجه کنیم که سوره علق مساوی آن پنج آیه اول خویش نیست ، بلکه سوره علق یک واحد مستقل است که پنج آیه اول آن ، بنابر مقتضیاتی زودتر از بقیه نازل شده اند . به عبارت دیگر ، حدود ۲۶ درصد سوره علق زودتر نازل شده و ۷۴ درصد بقیه مطابق روال طبیعی نزول وحی - که متناسب با نیازهای گیرنده وحی باشد - در سر جای خویش نازل شده است .

همچنین ۱۴ درصد سوره مدثر (که همان هشت آیه اول باشد) به عنوان دومین جرعهء وحی به پیامبر(ص) نوشانده شده و ۸۶ درصد بقیه ، مدتها و مدتها بعد نازل گشته است و لذا سوره مدثر را که محتوایی کاملا جا افتاده و متناسب با دوره ی «جا افتادن پیام نهضت و فعال شدن کافران و مشرکان» دارد به هیچ وجه نمی توان «دومین سوره» قرآن دانست ، حتی اگر بتوان به ۱۴ درصد ابتدای آن نسبتی مانند «دومین جرعه ی وحی» داد .

عکس این حالت هم ممکن است اتفاق بیفتد . یعنی اینکه ممکن است بیشتر حجم سوره ای نازل شود ، اما چند آیه ای از آن ، دیرتر نازل گردد .

مثلا ممکن است سوره ای از لحاظ محتوایش کاملا معلوم باشد که مربوط به اوایل نزول وحی است اما ضمنا یک یا دو آیه هم در آن باشد که از آنها به طور واضح معلوم

شود که متعلق به دورهء (مثلا) پس از هجرت می باشد (مانند سوره های مزمل و دهر) ، در این صورت نیز نباید آن سوره را مدنی به حساب بیاوریم .

همه اینها یعنی چه؟

یعنی اینکه خداوند با توجه به اوضاع و احوال جاری روزهای نزول وحی آیاتی نازل میفرمود ، اما همان خداوند میدانست که این قرآن مال کسانی که هزاران سال بعد هم متولد خواهند شد ، نیز هست ، و آنها به سوره ها که واحدهای مستقل کامل هستند نیاز دارند ، و به این ترتیب علتِ دستور رسول خدا (ص) که گاهی میفرمود این آیات را در فلان سوره و پس از فلان آیات قرار دهید مفهوم میشود . این نکته ی بسیار مهمی است که توجه به آن در ارائه ی لیست «ترتیب نزول سوره ها» نقش مهمی دارد .

به این ترتیب در مورد سوره هایی که بعضی از آیات آنها قبل یا بعد از بقیه نازل شده اند ، باید از محتوای کلّ سوره کمک گرفت ، و با استفاده از آن ، جای سوره را در لیست «ترتیب نزول سوره ها» معین کرد .

در مورد این سوره ها ، ما به «درس» سوره (یا همان عصاره محتوای سوره که قبلا گفتیم) توجه کرده ایم و با توجه به آن ، آن سوره را در لیست مرحوم مهندس بازرگان آنقدر جا بجا کرده ایم تا در ردیف سوره های «هم محتوا»ی خویش قرار گیرد .

۳ - نزول وحی مانند نقطه هایی و پاره خط هایی است ، نقطه های نزول ، و پاره خط های سکوت .

مثلا سوره تحریم که در جدول مربوطه دو ماه زمان نزول دارد اینطور نبوده که دو ماه طول کشیده باشد تا نازل شود ، سوره ای که نیم درصد حجم کل قرآن را دارد نزولش نباید دوماه طول بکشد .

اگر بخواهیم توضیح دهیم باید چنین بگوئیم که با توجه به آنچه قبلا گفته ایم ، متوسط نزول روزانه وحی ۹ کلمه در روز است . یعنی اینکه سوره تحریم که ۲۵۰

کلمه باشد مثلاً اینطور نازل نشده است که در روز اول نصف آیه اول نازل شود و در روز دوم بقیه آیه اول و روز سوم دوثلث از آیه دوم و روز چهارم بقیه آیه ۲ و هفت کلمه از آیه ۳ و ... و همینطور ... هلمّ چرا .

بلکه سوره مذکور یکدفعه نازل شده ، اما ، چه قبل و چه بعد از شروع به نزول آن ، زمان های «سکوت» وحی بوده است ، زیرا ، مدتی لازم بوده که هم آنحضرت و هم مردم آن را جذب و هضم کنند .

این در مورد سوره های کوتاه کاملاً مفهوم است ، اما ، در سوره های بلند و خیلی بلند ، مانند بقره و آل عمران و براءت و نساء و مائده و غیره ، مرحوم مهندس مهدی بازرگان بحث مبسوط و خیلی شیرین و خواندنیی دارند که این کتاب کم حجم جایش نیست و بهتر است خودتان در کتاب خوب «سیر تحول قرآن» همان بزرگوار ملاحظه کنید ، اما ، چیزی که نمیتوان نا گفته گذاشت ، این است که سوره های بلند ، یا خیلی بلند ، که در مدتی طولانی و خیلی طولانی نازل شده اند ، نزولشان بصورت قطعه قطعه بوده و هر قطعه یک نقطه نزول وحی ، و فاصله زمانی قبل و بعد آن را یک پاره خط سکوت وحی ، تلقی میکنیم .

لذا ، پیوسته بودن نزول وحی بطور کلی و معدلی است ، و این نکته اساس رسم نمودار و تعیین زمان نزول برای سوره ها بوده است ، نکته ای که معقول و مفهوم هم هست .

لذا ، با وجود اینها ، نمودار فوق ، و جدول های منشعب از آن ، دارای «تقریب مهندسی» است و هیچ کار مهندسی دقت مطلق ندارد بلکه مهندسان ترانس هایی

قابل میشوند ، و در مورد این تحقیق ، این قلم (نیز که مهندس است) کاری درخور تفرانس مهندسی ارائه داده ، که شاید در حد (+ و -) چند ماه باشد اما در حد (+ و -) چند سال نیست .

اگر بخواهیم توضیح بیشتری در این خصوص ارائه کنیم ، میتوانیم چنین بگوئیم :

۱ - کل زمان نزول وحی ۲۳ و نیم سال ، و هرسال دوازده ماه ، و در نتیجه ، کل زمان نزول وحی ۲۸۲ ماه بوده است .

تقریب خطای قابل قبول در اکثر فعالیت های مهندسی ، حدود دو و نیم درصد است .

۳ - دو و نیم درصد کل زمان نزول وحی (که گفتیم ۲۸۲ ماه بوده) اندکی بیش از هفت ماه است ، یعنی ، تاریخی که برای زمان نزول سوره ها یافته ایم ، در صورتیکه انحرافی از واقعیت در حدود + و یا - هفت ماه داشته باشند ، معقول و مقبول است.

فایده همه این موضوعات (لیست ترتیب و تاریخ نزول) چیست؟

مهم ترین فایده آن این است که میتوان ازروی آیاتی که زمان بندی نزول آنها - با تقریب بسیار مقبولی - مشخص شده ، حوادثی را که بر پیامبر اکرم (ص) گذشته است حدس زد ، و تاریخ اسلام را بهتر شناخت و تواریخ موجود را دقیق تر نمود و یا اصلاح کرد .

چطور؟

مثالی میزنیم :

اگر به ترتیب نزول به سوره ها نگاه کنیم توالی سوره ها با توالی حوادث آن روزها یکی

است و اگر به زمان نزول سوره ها نگاه کنیم زمان حوادث را هم می فهمیم . یکی از حوادث مهم در زمان آنحضرت ظهور منافقین است که اول بار در سوره عنکبوت آمده ، و این قلم نزول سوره عنکبوت را خیلی نزدیک به هجرت حدس میزد ، تا اینکه همین چند روز پیش که جدول زمان بندی مرحله ها را تنظیم کرده بود تازه فهمید که زمان نزول سوره عنکبوت قریب به سه سال تا هجرت فاصله داشته است . منافقین چه کسانی بودند؟

از تعدد و شدت تعظیم حضرت ابراهیم علیه السلام که در جای جای قرآن هست و یکی از مواضع ثابت قرآنی است ، چنین فهمیده میشود که در زمان معظم له موقعیت روسای قبایل خیلی محکم و مستحکم بوده و اوامرشان اطاعت میشده و نواهی شان متوقف میگرددیده ، و بعید است در طول تاریخ ، تا زمان رسول اکرم (ص) ، این وضع تغییری کرده باشد ، لذا ، میتوان حدس زد که مخالفت با آنحضرت توسط روسای قبایل به اعضای قبایل نیز تسری می یافت .

خود روسای قبایل که نان بت پرستی را میخوردند نمیتوانستند با تعالیم آنحضرت کنار بیایند ، و اعضای قبایل نیز ، فارغ از آنچه در دلهاشان میگذاشت ، جرات پیوستن به دین آنحضرت را نداشتند ، مثلاً داستان شهید مصعب ابن عمیر که اشراف زاده ای بود و به آنحضرت گرویده بود و چه مصیبت هایی که در این مسیر برسرش ریخت مشهور است . خلاصه اینکه اهل قبیله ها جرات نمیکردند به آنحضرت بپیوندند .

اما ، در همه جوامع ، همیشه ، کسانی وجود داشتند که صرفنظر از اینکه چه ارزش اجتماعی داشته اند ، زندگی هایی خارج از قبایل داشته و به مشاغل پستی از قبیل راهزنی و شکار و قماربازی و دوره گردی و شرارت روزگار میگذراندند ، اینها ، دارای موقعیت اجتماعی پائینی بودند و در حوادث اجتماعی تاثیر گذاری چندانی نداشتند ، این قبیل اشخاص را در زبان امروزی «لمپن» مینامیم .

در هنگام اوضاع موفق اقتصادی و سیاسی ، تعداد لمپن ها کاهش و در حالت عکس افزایش می یابد .

خاستگاه منافقین ، موقعیت لمپنی بود ، آنها در سیستم قبیله ای ، جایگاهی نداشتند ، و آنچه در اردوگاه ایمان میگذشت ، نیز ، برای آنها جذائیتی نداشت ، زیرا برایشان «صرف نمیکرد» و آنها میدیدند که پیروان آنحضرت اوضاع چندان مطلوبی ندارند ، همه اش تحقیر و توهین و اگر دست قبایل برسد فشار و آزار فیزیکی و چه و چه هم هست . اما ، به مرور زمان ، علیرغم اینکه از لحاظ ظاهری تغییر محسوسی ایجاد نمیشد ، اما در باطن ، روز به روز بر محبوبیت آنحضرت و پیروانش در قلوب مردم افزوده میشد ، و این چیزی است که نمیتوانست از چشم لمپن های آن روزها مخفی بماند .

مسلمان شدن این نوع اشخاص بسیار معنا دار است ، به این معنی که آنها در زمان معینی درک کردند که این جریان چیزی نیست که این سران قبایل بتوانند جلویش را بگیرند و این جریان آینده دارد ، و آنها کسانی بودند که به ماهیت محتوای پیام وحی کاری نداشتند و فقط برای خویش از نمد این جریان (که آن را دارای «آینده» ارزیابی کرده بودند) کلاهی میخواستند ، و در زمان معینی به این جمع بندی رسیده بودند که با پیوستن به آنحضرت میتوانند اند به خواسته هایشان برسند .

این زمان کی بود؟

جدول های فوق به ما میگویند که این زمان مقطع نزول سوره عنکبوت و قریب به سه سال قبل از هجرت بود . کدام تاریخ و کدام سیره و کدام روایت شان نزول با این دقت میتواند چنین نتیجه گیری داشته باشد؟ هیچکدام ! غیر از این روش تعیین ترتیب و تاریخ نزول !

مثال دیگر :

مثلا در مرحله چهارم نزول وحی - اگر دقت کنید - می بینید لحن خداوند خیلی تهدید آمیز است ، در سوره فیل خبر از نابودی کامل کسانی داده که به کعبه نگاه چپ انداخته بودند و در سوره نوح هلاکت کامل قوم نوح ، و در سوره قمر به هلاکت کامل چندین قوم که تصمیم به تعرض فیزیکی به پیامبرشان گرفته بودند ، و در سوره

بروج خیلی روی صفات اقتداری و غیرتی خداوند تاکید شده و شکنجه شوندگان در راه اعتقادات حق را دلداری داده و عاملین و آمرین شکنجه ها را به شدید ترین بیان تهدید فرموده ، و غیره و غیره .

همه اینها بما میگوید که در بازهء زمانی نزول سوره های مرحله چهارم (که همان سال های اول نزول وحی است) مخالفان آن حضرت اولاً قصد قتل آن وجود نازنین را کرده بودند و ثانیاً برخی از پیروان آن حضرت را مورد آزار و اذیت و شکنجه شدید قرار میدادند و این آیات (مخصوصاً سوره فیل که موضوع آن هنوز در یاد و خاطرهء پیران آن روزها بود) مانع آنها شده بود .

مثال دیگر :

از آیه ۲۰ سوره انعام معلوم میشود یهودیان آن روزها بشارت ظهور آنحضرت را داشته و با خصوصیات آنحضرت از مدتها پیش آشنا بوده اند ، همانطور که شیعیان بشارت های روشنی در خصوص ظهور امام زمان دارند و او را با مشخصات روشنی می شناسند ، یهودیان نیز نسبت به رسول خدا همینطور بودند ، و هم آنحضرت را حتی قبل از تولدش می شناختند و هم منتظر ظهورش بودند که به او بپیوندند .

یهودیان این اطلاعات را از کجا داشتند ؟

واضح است که چنین اطلاعاتی می باید در «کتاب مقدس» آنها مندرج بوده باشد . البته امروز چنین اطلاعاتی در تورات نیست . پس ، می باید در مقطع خاصی از زمان ، این اطلاعات از «کتاب مقدس» آنها حذف شده باشد .

زمان حذف مذکور کی بود؟

آیه فوق بما میگوید مقارن با نزول سوره انعام بود ، و لیست ترتیب نزول ، و جدول زمان نزول ، ما را به اواخر سال پنجم قبل از هجرت میرساند .

زمان مذکور زمان وقوع آخرین تحریف در تورات است !

کدام تاریخ و کدام سیره و کدام روایت شان نزول میتواند با این دقت و وضوح چنین

مطلب مهمی را بازگوید؟ بی تعارف، هیچکدام شان!

مثال دیگر:

از آیه ۲ سوره حجر فهمیده میشود درستی تعلیم پیامبر (ص) و جذابیت قرآن تمام سنگرها را در نوردیده بود ولی اظهار ایمان و اعلام گرایش انجام نمیشد و از آیه ۳ فهمیده میشود تعلقات زندگی و عادات و آمال و آرزوهایشان مانع آنها بوده که سخن عقل و دل خویش را پی گیرند و با قامت راست و قدم محکم جلو بیایند و اظهار ایمان کنند و از آیه های ۶ و ۷ فهمیده میشود آنها علیرغم آنچه در ذهن شان بود رفتاری درست مخالف آن بروز میدادند، مثلاً آنحضرت را دیوانه خطاب میکردند و معجزه طلبی میکردند ولی واقعا معجزه نمیخواستند و مطابق آیه های ۱۴ و ۱۵ آن را بهانه ای قرار داده بودند که فعلا به وسیله آن از ایمان آوری فرار کنند تا بعدا چه پیش آید، اگر هم معجزه ای به آنها ارائه میشد بهانه دیگری می آوردند.

یعنی اینکه در مقطعی از تاریخ نزول وحی اینطور بوده که بسیاری از سران قبایل از قرآن و روش پیغمبر (ص) خوششان آمده بود، اما، چون عادت به نان بت پرستی کرده بودند، «صلاح نمیدیدند» اعلام ایمان کنند و به آن بپیوندند، یعنی یک نقطه زمانی بود که آن نقطه را اصطلاحاً میتوانیم «نقطه عطف» بنامیم که از آن نقطه به بعد، روانشناسی سران قبایل روانشناسی اشخاص «دو رو» شد که دلشان چیزی میگفت و زبانشان خلاف آن را میگفت.

این نقطه عطف کی بود؟

لیست ترتیب نزول و جدول تاریخ نزول بما میگوید نقطه مذکور مقارن نزول سوره حجر و اواسط سال پنجم قبل از هجرت بود، و هیچ منبع و ماخذ دیگری نیست که به این وضوح و صراحت بتواند چنین بگوید.

مثال دیگر :

مثال ها در این موضوع خیلی زیاد است ، اما خواننده چنین متن هایی خواننده عادی نیست و فرهیخته است و لذا همین مقدار مثال کفایت میکند .

اینطوری است که ترتیب نزول و زمان دقیق نزول به ما کمک میکند استنباط های روشن و دقیقی از آن روزها پیدا کنیم ، استنباطاتی که در هیچ کتابی که در موضوع تاریخ اسلام نوشته شده است ، وجود ندارد .

شاید خداوند توفیقی بدهد و پس از فراغت از تجدید نظر و تکمیل تفسیر «سخن نو در تفسیر قرآن» ، خود این قلم به آن بپردازد ، و اگر اجل مهلت نداد به عنوان وصیت به خوانندگان ارجمند عرض میشود که با این نگاه به وادی مذکور قدم بگذارند ، و اگر چنین کنند در همان ابتدای راه آنقدر بدست خواهند آورد که دیگر کسی و چیزی نمیتواند منصرفشان کند .

تلخیص و جمع بندی

۱ - دیدیم که بی توجهی به ترتیب نزول ، مطالعه قرآن را برای خوانندگان عادی مشکل و لافل ناجذاب میکند .

۲ - همچنین دیدیم که بی توجهی به آن در مورد مفسران ، اولاً سبب میشود که متوجه چیزهای بدیهی که کاربران توجه کننده به ترتیب نزول متوجه میشوند ، نشوند ، و ثانیاً در کار تفسیر خویش دچار خطاهای بزرگ شوند .

۳ - دیدیم که جستجوی لیست خوب ترتیب نزول ، یکی در روایات مرتبط با این موضوع ، و یکی هم در کارهای تحقیقی محققانی که راجع به این موضوع کار کرده اند میسر است .

۴ - به دلایلی که در جای خویش دیدیم ، کارهای تحقیقی را بر روایات ترجیح دادیم.

۵ - در میان کارهای تحقیقی ، کار زنده یاد مهندس مهدی بازرگان را ترجیح داده و نتایج کارهای تحقیقی خویش (استخراج عصاره محتوای همه سوره ها و نیز نتیجه اش که همه سوره های دارای «حم» از لحاظ ترتیب نزول مقدم اند بر همه سوره های دارای «الر» و خود اینها مقدم اند بر همه سوره های دارای «الم» اند) را بر آن افزودیم و لیستی بدست آمد که فعلاً مقتنع به نظر می آید (تا در آینده دیگری ظاهر شوند و این لیست را نیز بهبود بخشند ، انشاءالله)

۶ - برای تعیین تاریخ نزول سوره ها نیز به عنوان پیش فرض ، اولاً لیست اخیر الذکر را مبنا قرار دادیم ، ثانیاً بر اساس همان لیست و حجم (تعداد کلمه) هر سوره پیدا کردیم که هر «مرحله نزول» چه حجمی دارد و ثالثاً تاریخ بعثت و تاریخ هجرت و تاریخ وفات آنحضرت را از روایات مشهور ، صحیح فرض کردیم و بر اساس همه اینها

نموداری رسم کردیم که تاریخ وحی را ضمن مشخص کردن مختصات زمانی و مکانی هر سوره ، نشان میدهد که البته نمودار بطور کلان رسم شده که بتوان در فضای کوچک نشان داد ، اما ، موارد مورد نیاز خوانندگان (ترتیب و زمان) را در جدول هایی (ذیل نمودار های مرتبط) آورده ایم .

۷ - در انتها ، خودمان کار خویش را نقادی و ارزیابی کرده ، و نیز فواید آن را با ذکر مثالهایی برشمرده ایم .

مثلا در باره صحت تاریخ ها گفته ایم که این تاریخ ها با تقریب خوب مهندسی استخراج شده و انحرافش حداکثر از (+ یا -) ماه ها تجاوز نمیکند و به (+ یا -) سال ها نمیرسد .

بعلاوه ، مبانی آن را با دقت تشریح کرده ایم تا خواننده محترم خودش بتواند به ارزیابی مناسب آن بپردازد .

۸ - سپس به فواید آن پرداخته و گفته ایم که به کمک این تحقیق میتوان در باره آن قسمت از تاریخ اسلام ، که ضمنا مهمترین آن نیز هست ، و متأسفانه در باره آن اطلاعاتی در کتابها یافت نمیشود ، و یا بعضا اطلاعات غلطی یافت میشود ، به اطلاعات صحیح دست یافت .

۹ - در انتهای کتاب نیز به بحثی در باره حروف مقطعه - که یکی از ابزارهایی بوده که به کمک آن توانسته ایم به لیست ترتیب نزول مطمئن تری برسیم ، پرداخته ایم، اما ، در عین حال ، اذعان کرده ایم که کار ما در این باره «حرف آخر» نیست ، و راه تکمیل آن را نیز نشان داده ایم .

پیوست

مجموعه های حروف مقطعه

اگر بخواهیم دقیق سخن بگوئیم باید بگوئیم که در ابتدای سوره هائی که اصطلاحاً دارای **حروف مقطعه** میباشند گاهی فقط یک حرف وجود دارد ، مانند «ن» و «ق» و «ص» (در ابتدای سوره های قلم و قاف و صاد) ، که آنها را «**حروف مقطعه**» می نامیم ، ولی در مورد سوره هائی که دارای بیش از یک حرف باشد مانند طه و الر و کهیص و غیره ، آن باصطلاح حروف را «**مجموعه حروف مقطعه**» می نامیم .

اگر برای هر سوره ای که مجموعه حروف مقطعه دارد «درس» همان سوره را مقابل آنها قرار دهیم جدولی مانند ذیل خواهیم داشت :

حروف مقطعه	سوره	«درس» سوره
ن	قلم	حکمت تعذیب مجرمان
ق	ق	کافران چیزی را که تکذیب میکنند دچارش میشوند
یس	یس	نکوهش کافران که علیرغم اینهمه لطف و رحمت خداوند به راه کفر و تکذیب میروند و خود را در معرض نابودی قرار میدهند.
حم	دخان	کافران حال و گذشته علیرغم نعمت های الهی و حکمت آفرینش ، به گردنکشی و لجاج دچارند و همین هم سبب کفر و تکذیب آنها است
حم	زخرف	کافران علیرغم صفات و افعال الهی ، با پیامبران لجبازی و مخالفت عملی میکنند و بر این امر اصرار می ورزند و در نتیجه معذب خواهند شد
حم	فصلت	عناد و استکبار و عمد در کفر ، توسط کافران ، علیرغم الطاف الهی
حم	جاثیه	کافران علیرغم آیات و نعمت های الهی کفر می ورزند و در این خصوص لجبازی و عناد و اصرار دارند

حم	احقاف	کافران اعم از گذشته و حال علیرغم دریافت دلایل کافی و اتمام حجت لجوجانه کفر می ورزند
حم	مومن	کافران علیرغم لطف و رحمت الهی با حق عناد می ورزند
حمعسق	شوری	کافران علیرغم اتمام حجت و محاط بودن در لطف و رحمت الهی ، از روی لجبازی به کفر خویش ادامه میدهند و در قیامت خلاف انتظارشان را خواهند دید
کهیعض	مریم	تشویق مردم به اتخاذ مسیری که هم در دنیا به نعمت و برکت و لطف الهی می انجامد و هم در آخرت به بهشت میرساند
ص	ص	وحی و هدایتی که به انبیاء داده شده مهم ترین نعمت و از جنس تشخیص دائمی حق و باطل میباشد
طس	نمل	آدمی باید در همه حال (فقر و غنا و ضعف و قدرت و...) متوجه خداوند و انجام وظایفش باشد
طسم	قصص	غفلت از خداوند موجب گمراهی و هلاکت دو جهان است اما کافران این را دیر می فهمند
طسم	شعراء	نکوهش لجاج و اصرار کافران و گرایش آنها به چیز بی ارزش و بی رغبتی آنها به چیز بسیار با ارزش
طه	طه	مایه های عبرت زیاد است ، به خود آئید و مانند بنی اسرائیل نباشید و خود را بدبخت نکنید
الر	هود	مکذبان پیامبران هلاک شدند و خود آنها و پیروانشان مورد لطف و نجات قرار گرفتند ، پس تو ای پیامبر ثابت و محکم و منتظر باش و دلتنگ مشو ، زیرا همه چیز تحت کنترل خداوند است
الر	ابراهیم	دلاری به پیامبر و مومنان و وعده پیروزی نهائی به آنان
الر	حجر	لطف و رحمت خداوند که بر کار جهان مقتدر است در دنیا و آخرت شامل پیامبرن و پیروانشان میشود و قبول وسوسه شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج میکند
الر	یونس	ای پیامبر با جدیت کار رسالت را پیگیر . تو در مقابل کافران بی منطق و غافل ، در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهی بود

الر	یوسف	محققا توجه و لطف خداوندی روی مومنان متقی متمرکز است و آنها را نجات میدهد و تکذیب گرانشان را مغلوب میکند
الم	لقمان	بشر که غرق در نعمت های الهی است بهتر است از رفتارهای کافرانه دوری گزیند و به رفتار پسندیده بگراید
المص	اعراف	بی توجهی به خداوند و ربوبیت او و دستورهای پیامبران مایه هلاکت دنیوی و اخروی است . عبرت گیرید و مانند بنی اسرائیل نباشید
الم	سجده	در قیامت کافران از مومنان متمایز میشوند و این جهان بستری است که هر دو گروه در شرایط مساوی قرار میگیرند تا واقعیت خویش را بروز دهند
الم	عنکبوت	دعوت مردم به صبر و اقبال به راه پیامبران و کوشش در راه خدا
الم	روم	دعوت نرم و لطف آمیز از کافران و مخالفان به توجه در نشانه های لطف و عزت و حکمت و علم و قدرت الهی و کنار گذاشتن صفات ناپسند از قبیل بی توجهی و مخالفت با فرستادگان خدا
الم	بقره	ساختن ایجابی افراد و خانواده ها از طریق احکام صادره و تشویق به بهشت و نیز ساختن سلبی آنان از طریق معرفی الگوهای بد لازم الاجتناب مانند یهودیان
الم	ال عمران	دعوت (احکامی و اخلاقی) مسلمین به رشد شخصیتی اعم از ذهنی و عملی علیرغم مشکلات مهم که بزرگترین آنها موانع موجود حاصل از رفتارهای دشمنان فعال کافر است
المر	رعد	کافران که دارای بدترین صفاتند به چنین خداوندی کافرند و هیچ معجزه ای فایده ای برایشان ندارد و تو کوچکترین تمایلی به آنان نشان مده و هر دو گروه مومن و کافر به سرانجام نیک و بد خویش خواهند رسید

اولین نتایج

اولین چیزی که از جدول فوق فهمیده می‌شود که این است که «درس» سوره‌های دارای مجموعه‌های حروف مقطعه مساوی، به یکدیگر خیلی نزدیک و بلکه مساوی هستند. مثلاً سوره هائی که «حم» دار هستند، «درس» همه آنها به اصرار کافران در نپذیرفتن حق و لجبازی و عمد و ابرام در آن اشاره دارد. همچنین «درس» سوره‌های «الر» دار در دل‌داری پیامبر و مومنان و وعده پیروزی نهائی به آنان مشترک است. و نیز «درس» سوره‌های «الم» دار محتوی موضوعاتی مربوط به امور اخلاقی و احکام شرعی و موضوعات دیگری که مجموعاً به سازندگی و رشد شخصیتی انسانی مربوط است، می‌باشد. این یک کشف جالب است که می‌گوید:

بین محتوای سوره‌ها و مجموعه‌های حروف مقطعه یک رابطه مستقیم و معنی دار

وجود دارد

کمی کنجکاوی بیشتر ذهن را متوجه مجموعه‌های حروف مقطعه ای میکند که بزرگتر از مجموعه‌های قبلی است اما آنها را درخویش دارد، مانند حم عسق (که حم را در خود دارد) و المر و المص (که «الم» و «الر» و «ص» را در خود دارند) دقت در محتوای این نوع سوره‌ها نشان میدهد بین این سوره‌ها و سوره‌های سابق الذکر شباهت‌هایی وجود دارد.

تمرکز روی همین مطلب و بخصوص روی سوره شورا که «حم عسق» دارد نشان میدهد بین این سوره و سوره‌های دارای «حم» قرابتی واضح وجود دارد زیرا در سوره شورا نیز همان عنصر مشترک سوره‌های دارای «حم» به وضوح به چشم می‌آید.

ادامه این کنجکاوی، ما را به این میرساند که سوره رعد که دارای «الم» است، نیز، هم با سوره‌های دارای «الم»، و هم با سوره‌های دارای «الر» وجوه مشترک دارد.

اینک که کنجکاوی ما خیلی تحریک شده، جستجوی بیشتر میکنیم و می‌بینیم که سوره نمل که دارای «طس» است با سوره‌های قصص و شعراء که دارای «طسم» می‌باشند نیز

قربان آشکاری دارد (باید متن سوره ها را بخوانید تا متوجه قربانیت شان شوید)
از مجموع اینها یک قانون مهم بدست می آید و آنهم این است که :

۱ - «درس» سوره های داخل جدول فوق نمایانگر مفاهیم آن سوره ها هم هست .

۲ - مجموعه های حروف مقطعه «جمع پذیر»ند

(و البته توجه دارید که چیزی که «جمع پذیر» باشد «تفریق پذیر» هم هست)
یعنی اینکه وقتی (مثلا) مفهوم «طسم» را داریم (که «درس» سوره های شعراء و قصص باشد) و وقتی که مفهوم «طس» را هم داریم (که «درس» سوره نمل باشد) از تفاضل این دو مفهوم ، مفهوم «م» بدست می آید ، و با این کار معنی کلیه حروف مقطعه دیگر ، مثلا ی س ک ه ع م ر ا ل ط ح نیز قابل کشف است .

البته در اینجا باید روی نکته ای تاکید کنیم :

ابزار مفهوم یابی ما ، همانطور که در بالا دیده آید ، «درس» سوره ها است و آنچه از آن بدست می آید مفهوم مجموعه های حروف مقطعه است و از تفاضل دو مفهوم ، چیزی که آنقدر بسیط باشد که بتواند به سهولت درک شود ، بدست نمی آید و کار هرکسی نیست و فعلا نیاز به شخص ماهر و آشنا دارد .

و مثال آن مانند دوربین های قرن هجدهمی است که گرچه مناظر دور را نزدیک میکردند اما آنقدرها دقیق نبودند که برای ناظر قانع کننده باشد .

مثالی مطلب را مفهوم تر میکند : فرض کنید دارید با یک تلسکوپ غیر دقیق (مثلا اولین دوربینی که گالیله ساخته بود) مناظر دور را نظاره میکنید ، اگر آن تلسکوپ را نداشته باشید از دوردستها چیزی درک نمیکنید ، اما اگر با آن به نظاره بپردازید و در دوردست ها موجوداتی را در حال حرکت ببینید حدس خواهید زد که آنها حیواناتی هستند ، اما اگر دوربین تان خوب باشد خواهید توانست با قطعیت بگوئید که آنها دقیقا از کدام گونه جانوری و دارای چه مشخصاتی هستند .

فعلا ما یک دوربینی ساخته ایم که میتواند موضوعات درشت را ببیند که با آن توانسته ایم

به این نتایج برسیم :

۱ - کمک موثر قوی به فهم بهتر سوره ها

۲ - معنی کردن مستدل قَسَم های قرآنی بجای نقل قول و حدس و گمان و...

۳ - کمک موثر به پیدایش یک لیست ترتیب نزول بهتر

۴ - تعیین تاریخ نزول سوره ها با تقریب بسیار خوب

۵ - معنی کردن مجموعه های حروف مقطعه

۶ - تشخیص خطاهای آشکار مفسران سابق و اصلاح آنها

۷ - دیدن معانی که توسط مفسران سابق دیده نشده بود

۸ - و غیره (که برای رعایت اختصار از ذکرشان میگذریم)

البته چنانکه دیده اید ما توانسته ایم «مجموعه های حروف مقطعه» را معنی کنیم ، نه تک تک حروف مذکور را (غیر از آنچه مربوط به سوره های قلم و قاف و صاد است که اساسا تک حرفی اند)

با توجه به آنچه فوقا در باره دوربین قوی زوم شده گفته ایم می باید ابزار مفهوم یابی خویش را دقیق تر کنیم .

البته این نگارنده با این سنّ بالای خویش درگیر این کار نخواهد شد زیرا آنقدر کارهای زمین مانده (قلمی) کوتاه مدت دارای نتیجه معلوم دارد که نمیتواند در گیر مسئله ای شود که حل آن ممکن است خیلی طولانی بوده و محتاج به «پیش نیاز»هایی باشد که فراهم کردن آنها برای شخصی مانند این نگارنده معلوم نیست چقدر امکان پذیر باشد . اما این مسئله را برای عاشقان جوانتر قرآن مطرح میکنیم تا یکی از آنها انشاءالله بر روی این جاده باریکه ای که ما کشیده ایم یک اتوبان هشت بانده بسازد ، و در نتیجه ، چنان مفاهیمی از قرآن کریم کشف شود که حیرت انگیز باشد .

فایده همه این مطالب چیست؟

۱ - همانطور که در دفتر اول این کتاب گفته ایم ، (و توصیه میکنیم مشروح آن را در همانجا بازخوانی کنید) حروف مقطعه به نوعی نشاندهنده برخی از عناصر مهم شرایط اجتماعی و

سیاسی برهه های خاصی از تاریخ نزول وحی می باشد که کمک کرد بفهمیم همه سوره های دارای «حم» می باید مقدم بر همه سوره های دارای «الر» و همه سوره های اخیر می باید مقدم بر همه سوره های دارای «الم» نازل شده باشد و دونکته اخیر بما کمک کرد در تنظیم لیست ترتیب نزول و تاریخ نزول سوره ها پیش فرض های جدید صحیحی داشته باشیم .

حدس می زنیم کشف دقیق معانی تک تک حروف مقطعه لا اقل در جهت مذکور کمک های بسیار دقیق تری خواهد کرد .

البته قاعدتا این تنها فایده این جستجو نیست ، اما تنها همین فایده نیز آنقدر مهم هست که نیاز به چنین پژوهشی را کاملا موجه نماید .

۲ - نتیجه مهم تر موضوع فوق این است که دستاوردهای تحقیق پیشگفته ، در نهایت ، به تهیه یک تاریخ اسلام مقنع - که جایش خالی است - خواهد انجامید .

از این قلم :

الف - کتب مرتبط با علم تفسیر قرآن

۱- آموزش تفسیر قرآن کریم

خود اصل تفسیر ده جلدی ما که « سخن نو در تفسیر قرآن » نام دارد مبتنی بر یک رویکرد تفسیری جدید است که با توجه به مبانی و قابلیت ها و آثار و نتایجش تا کنون نظیر و مشابهی نداشته است و لذا واقعا « سخن نو » میباشد و میتواند مطلوب نواندیشان و روشنفکران مسلمان باشد .

مبنای اصلی تفسیری ما در تفسیر « سخن نو » این است که قبل از اینکه وارد کار تفسیر یک قطعه قرآنی بشویم ، می باید پیشاپیش دانسته باشیم که « خلاصه محتوا »ی سوره ای که قطعه مورد نظر ما در آن است ، و همچنین خلاصه محتوای خود قطعه قرآنی مورد نظر چیست .

ما برای این کار (یعنی دانستن پیشاپیش آن دو مورد پیشگفته) « روش » و « الگوریتم »ی ساخته ایم که به روشنی و تفصیل در این کتاب توضیح داده شده است .

روش مذکور شباهتی دارد به کار کسانی که در آزمایشگاه ها با درصد گیری نتایج و رسم نمودارها نتیجه گیری هایی میکنند ، و نیز شباهت دارد به کار تحلیلگرانی که - مثلا - در سازمان ملل متن سخنرانی رهبران کشورها را بررسی میکنند و در این راه از شمارش کلمات و میزان تکرار آنها سعی میکنند منظور غائی سخنران را کشف کنند ، و همچنین شباهت دارد به کار کسانی که در مراکز آمارگیری با تجزیه و تحلیل داده های آماری نتایج کیفی میگیرند . به عبارت دیگر در این روش نیز از یافته های کمی نتایج مفهومی گرفته ، و بوسیله آن متن اصلی بهتر فهمیده میشود .

روش مذکور علاوه بر کمک موثر در درک بهتر معنی متن قرآن کریم فواید ارزشمند مهم دیگری نیز دارد که ذیلا عرض میکنیم :

(۱) - استفاده از این روش ، سبب حفظ خط سیر مطلب سوره های بلند در ذهن تلاوت کننده میشود .

(۲) - استفاده از این روش به تنظیم لیست مطمئنی از « ترتیب نزول سوره ها » کمک نموده است .

(۳) - با استفاده از این روش ، ابهام ۱۴۰۰ ساله حروف مقطعه گشوده شده ، و برای آنها معانی معقول و قابل پذیرشی پیشنهاد شده است .

(۴) - با استفاده از این روش در بسیاری از جاهای پراختلاف بین مفسران رفع اختلاف شده است (برای توضیح بیشتر در باره ردیف های ۲ و ۳ و ۴ فوق در قسمت های آتی همین بروشور مطالبی آمده است)

(۵) - با استفاده از این روش برای قَسَم های قرآنی معانی معقول و مقبولی ارائه شده (در حالیکه معمولاً در تفاسیر می بینید هنگام معنی کردن قسم ها از روایات و یا نقل قول قدما استفاده میشود)

(۶) - با استفاده از این روش برای بسیاری از آیات ، معانی جدیدی ارائه شده است .

(۷) - با استفاده از این روش به یافتن معانی و نکات جدیدی که پیشینیان متعرض آنها نشده اند کمک شده است .

(۸) - با استفاده از این روش انسجام ارتباطی آیات در داخل سوره ها نشان داده شده است .

در این کتاب هشت کلید تفسیری مهم ارائه داده ایم که بی توجهی به آنها ، و رعایت نکردنشان ، نه تنها مفسر را از رسیدن به نتیجه مطلوب دور میکند ، بلکه ، اغلب ، سبب خطاهای مهم نیز میگردد . در این کتاب ضمن توضیح کافی مطالب فوق ، نمونه و سرمشق آموزشی هم ارائه کرده ایم تا نوآموزان این رشته بتوانند اولین قدم های خویش را با توجه به آن سرمشق ها بردارند ، و همچنین از طریق طرح برخی سؤالات تیبیک ، به عنوان نمونه ، به نو مفسران کمک کرده ایم در بحث های خود سوال های ممکن خوانندگان خود را پیشاپیش در نظر گرفته و با جواب دادن به آنها کار اصلی خویش را (که تفسیر متن قرآنی در دست باشد) پی گیرند . این کتاب به اشخاص مستعد و علاقمند کارِ تفسیری کمک میکند خودشان راسا به استنباط از قرآن کریم بپردازند .

۲- آسیب شناسی تفاسیر قرآن کریم

تفاسیر قرآن کریم - حتی برخی تفاسیر مطرح و مشهور - از آنجا که برخی از کلید های تفسیری ما را نمی شناخته اند و لذا رعایتشان نکرده اند ، بعضاً در استنتاج های نهائی خویش دچار خطاهای فاحشی شده و معانی ارائه کرده اند که نمیتواند مقبولیتی داشته باشد . در این کتاب برخی از این نوع خطا ها را مطرح نموده تا مفسران جوان اهمیت کلید های تفسیری

مذکور را درک نموده و آنها را به دقت رعایت کنند .

۳- صدها ایراد بر تفاسیر کلاسیک

این کتاب نیز بار آموزشی دارد ، و منظور از تدوین آن نشان دادنِ کاملترِ خطاهائی است که بطور خیلی مجمل و اشاره ای در کتاب آسیب شناسی تفسیر قرآن کریم (ردیف ۲ فوق) مطرح شده ، و البته اجابت درخواست برخی از خوانندگان عزیز همان کتاب نیز (که خواهان نمونه های بیشتری بوده اند) در نگارش این کتاب موثر بوده است .

در این کتاب بیش از دویست ایراد ، مربوط به نصف حجم قرآن کریم (به ترتیب نزول) آورده شده ، و فیش - یادداشت های بیش از دویست و پنجاه ایراد دیگر نیز تهیه شده ، که پس از فراغت از کارهای در دست - انشاءالله بزودی- بصورت جلد دوم همین کتاب ارائه خواهدشد. در این کتاب برای استخراج ایراد ها ، مطالعه تفاسیر مورد نظر بصورت «تورق» (ونه خیلی دقیق) انجام شده و اگر بطور دقیق کار میشد ایرادهای بسیار بیشتری ظاهر میشد اما چون منظور ما به همین مقدار هم حاصل میشود از تدقیق بیشتر صرفنظر نموده و انتظار داریم مفسران جوان به آن بپردازند .

۴- سخن نو ، در ترتیب نزول ، و زمان نزول ، و حروف مقطعه

نکته بسیار مهم در باره این کتاب این است که ضمن اینکه به سه موضوع جذاب (ترتیب نزول ، تاریخ نزول ، و حروف مقطعه) می پردازد و نو ترین سخن را در باره آنها عرضه میکند ، در جریان این کار از دو کلید تفسیری مربوط به این روش تفسیری استفاده نموده ، و اگر از آنها استفاده نمیشد نتایجی که در این کتاب حاصل شده است حاصل نمیشد ، و این موضوعی است که قاعدتا نباید از دید نومفسران و جوانان مفسر دور بماند .

۵- هند بوکِ مفسرانِ موضوعی

موضوع این کتاب «جستجوی موضوعی» در موضوعاتی با تنوع زیاد در متن قرآن کریم است که در فایل word آن صورت میگیرد .

متن کتاب طوری طراحی شده که **اولا** به ترتیب نزول و **ثانیا** با تقطیع کافی و **ثالثا** ترجمه روان و **رابعا** عصاره گیری محتوایی پاراگراف ها و **خامسا** امکان دسترسی به تفسیر مفصل هر پاراگراف از طریق بهره گیری از امکانات **hyperlink** در نرم افزار فوق الذکر و **سادسا** امکان تکمیل توسط خود کاربر برای رفع نیاز های ویژه خویش است و **سابعا** مزایای دیگری نیز دارد که ، در مجموع ، این کتاب را به پایه یک مرجع بی بدیل در موضوع کتاب های علوم قرآنی میرساند .

هایپر لینک اشاره شده ، برای مراجعه به پاراگراف مربوطه در خود تفسیر اصلی ، است و فقط وقتی بطور کامل کار میکند که این کتاب با ده جلد تفسیر اشاره شده در فضای واحد قرار داشته باشد (مثلا هند بوك و تفسیر ده جلدی در یک فولدر یا در یک سی دی قرار داشته باشند)

۶- سره و ناسره در روایات معراج

در این کتاب دو روایت در باره معراج نقل شده که یکی موافق قرآن است و دیگری که خیلی هم بلند و طولانی - حدود بیست صفحه با قلم ریز - است ، و دائما در اینجا و آنجا (مثلا منابر و تفاسیر) نقل میشود ، لا اقل ، حاوی ۱۶ مورد مخالفت با قرآن ، ۱۰ مورد مخالفت با عقل ، و ۴ مورد مخالفت قسمت هائی از روایت با قسمت های دیگری از همان روایت است ، و این از باب نمونه است ، و نتیجه گرفته که در باب تفسیر قرآن می باید درستی روایات را از قرآن فهمید نه بر عکس ، و اینکه اگر مفسر به ترتیب نزول کار کند دچار این نوع خطا ها نمیشود .

۷- تفسیر به رای و چند موضوع مرتبط

این کتاب حاوی بحثی در مبانی تفسیری است و به ردّ یک خرافه (که برطبق آن ، عده ای ، بسیاری از کارهای تفسیری را «تفسیر به رای» قلمداد میکنند) می پردازد ، و برای مفسران جوان بسیار مفید است .

۸- هزاران سوال تفسیری

این کتاب شامل دو بخش اصلی است که **اولی** کم حجم و **دومی** پر حجم است .
بخش **اول** شامل مجموعه ای از سوال ها است که هر مفسر به هنگام تفسیر هر پاراگراف می باید به مجموعه آنها نظر داشته ، و متعرض برخی از آنها که به پاراگراف مورد تفسیر او مربوط است ، بشود .

بخش **دوم** شامل سوالاتی است که این قلم به هنگام تفسیر خویش از پاراگراف های قرآن کریم به آنها برخورد ، و برای راهنمایی مفسران جوان آنها را در داخل تفسیر پاراگراف ها تحت عنوان «سوالات» نگاشته است .

مطرح کردن آنها در داخل متن تفسیر برای حصول دو منظور بود:

۱ - رعایت اختصار (از طریق نگفتن چیزی که خود خواننده با یک پرسش کوتاه میتواند بفهمد) ۲ - آموزش از طریق غیر مستقیم .

چون معمولا مردم حوصله مطالعه متون مفصل را ندارند ، برخی از این سوال ها را انتخاب نموده و به عنوان یک متن کمک آموزشی (برای مفسران جوان) در این کتاب قرار داده ایم

این کتاب (با توجه به ترتیب نزول) حدود یک سوم اول متن قرآن کریم را شامل میشود و امیدواریم که تدریجا تکمیل و (انشاءالله بزودی) تمام حجم قرآن کریم را در بر گیرد ولی همین مقدار هم ارزش آموزشی کافی را (برای نو مفسران) دارا است .

۹- خلاصه ترین تفسیر قرآن (متن عربی + درس و درب ها)

این کتاب در حقیقت متن عربی قرآن به ترتیب نزول است که هم - برحسب همگن بودن آیات - پاراگراف بندی شده ، و هم «درس» (عصاره مطلب سوره) و هم «درب ها» (عصاره مطلب پاراگراف ها) را دارد . و برای کسی که مختصری عربی بداند خلاصه ترین تفسیر قرآن است و خود این نگارنده برای مطالعه روزانه قرآن از این کتاب استفاده میکند .

۱۰- تفسیر تک جلدی فارسی (متن ترجمه فارسی + اعمال نتایج

تفسیری)

این کتاب در حقیقت ترجمه کتاب قبلی است که همه خصوصیات مثبت آن (ترتیب نزول ، پاراگراف بندی کمک کننده به فهم) را دارد . بعلاوه انتخاب ترجمه ای از کلمات خاص که تناسب بهتری با عصاره مفهوم پاراگراف داشته باشد ، مشخص کردن محل التفات ها ، و واگذاری به مخاطب ها ، و . . . لذا نمیتوان آن را صرفا یک «ترجمه» نامید ، بلکه با توجه به ویژگی هایش یک تفسیر است ، اما ویژگی آن کم حجمی اش است که پس از جذب خواننده وادارش میکند برای رفع تشنگی معنوی که احتمالا پس از مطالعه آن بدست آورده ، به سراغ جلد های دهگانه خود تفسیر برود .

ب - کتب نگاشته شده بر اساس این دیدگاه های تفسیری

۱۱ - پیدایش انسان ، برگزیدگی آدم ، ماهیت شیطان

پس از انتشار کتاب «اصل انواع» در قرن ۱۹ به قلم چارلز داروین کلیسای کاتولیک به شدت در مقابل آن موضع گرفت و آن را کفر آمیز خواند ، و از آن پس تا کنون هم این موضع را حفظ کرده ، و حق هم دارد زیرا در مندرجات و استنتاجات آن کتاب مطالبی هست که بطور وضوح مغایر نصوص «کتاب مقدس» آنها است . اما جای تعجب است که چرا علمای اسلام هم وارد همین موضع شدند زیرا مندرجات و استنتاجات آن کتاب با « کتاب مقدس مسلمانان» تضاد و تنافی ندارد ، زیرا او بر اساس مشاهده و تجربه به چیزی رسید و آن را نوشت ، و مشاهده و تجربه هم چیزی است که قرآن دائما همه را به آن دعوت میکند .

در این کتاب ، موضوع «پیدایش انسان در روی زمین» که روایت این جهانی پدیده مذکور است ، از

موضوع «برگزیدگی آدم» که روایتِ فرا جهانی آن پدیده است، جداگانه، و تماماً با ذکر آیات قرآن و استنتاج از آن، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که خلط دو بحث سبب آن سوء تفاهم بزرگ گردیده است و قرآن مخالفتی با نتایج علوم تجربی ندارد. ضمناً چون ابلیس و شیطان نیز یکی از عناصر روایتِ فرا جهانی مذکور است در باره ماهیت شیطان نیز بحثی قرآنی در این کتاب وجود دارد.

۱۲- سیر و سلوک قرآنی

«تعالی نفس» همیشه یکی از دغدغه های خاطر برخی از انسان ها بوده و از این پس هم خواهد بود، و مکاتب گوناگون از قبیل متصوفه (اعم متصوفه مسلمان و مسیحی و یهودی و نیز هندی و بودایی و امثالهم) و غیره برای این دغدغه خاطر نسخه هایی پیچیده اند، که نتیجه اش پیدایش اینهمه خانقاه و معبد و صومعه و دیر رهبانگری است که به عنوان محل «سیر و سلوک» و «تهذیب نفس» شناخته میشود، در این کتاب، از لحاظ قرآنی - که صالح ترین مرجع برای این مقوله است - به این دغدغه خاطر پرداخته، و ضمن بررسی نقادانه برخی از عناصر رایج مکاتب سیر و سلوکی، روشهای قرآنی سیر و سلوک و تهذیب نفس را پیشنهاد نموده است.

۱۳ - آثار قوم لوط

در این کتاب با ذکر آیات مرتبط به داستان قوم لوط و نوع عذاب آنها، به کاوشگران و باستان شناسان سرخ هائی از متن قرآن داده شده، که کجا را مورد حفاری های باستان شناسانه قرار دهند که آثار آن قوم را بیابند و از این طریق، هم قسمتی از «ماقبل تاریخ» را به «دوره تاریخی» بیاورند، و هم سند مهم دیگری بر اسناد موجود اعجاز قرآن بیافزایند.

۱۴ - حدود شفاعت

این نگارنده در نوجوانی از یکی از وعاظ مشهور آن زمان شنیده بود که بالای منبر میگفت «تو شیعه باش و... کن» و «سنی چه حج کند و چه... کند یکی است» در این کتاب با این خرافه برخورد شده که کسی فکر نکند به صرف مسلمان زادگی و شیعه زادگی همه چیزش مرتب است و مورد شفاعت واقع خواهد شد... در این کتاب حدّ و حدود شفاعت را با استفاده از متن خود قرآن باز گویی کرده است.

۱۵ - سخن نو در اصلاح الگوی رایج حیات اخروی

در این کتاب در ابتدا به نقادی «الگوی ذهنی رایج حیات اخروی» پرداخته و سپس با استفاده از بحث های قرآنی الگویی را پیشنهاد کرده که در آن آثاری از آن موارد انتقادی مطرح نیست.

۱۶ - رهنمود های قرآن برای بشر قرن حاضر

موضوع بحث این کتاب در سه فصل عرضه شده ، که در فصل اول با شاهد آوری از آیاتی از کلام خدا نشان داده میشود که چگونه بشر ابتدائی با استفاده از رهنمودهای وحی از زندگی حیوانی فاصله میگيرد ، و در فصل دوم کارنامه قرآن را در متمدن سازی بشر مورد ارزیابی قرار میدهد ، و در فصل پایانی ضمن مطرح کردن برخی دغدغه های بشر فعلی قرن بیست و یکمی رهنمودهای قرآنی را برای درمان آلام بشری و رفع دغدغه های فکری و روانی بشر امروزی بیان میکند .

۱۷ - شناخت وجه کلی اعجاز قرآن

در این کتاب از ۹ لحاظ کلی ، به «غیر قابل گفتار بشر بودن» قرآن ، و اینکه گوینده قرآن باید کسی باشد که آنقدر علم داشته باشد که بتواند آسمانها و زمین و خود بشر را بیافریند ، پرداخته ، و نشان داده که چرا مسلمانان قرآن را - به حق - معجزه میدانند . این کتاب برای کسانی که «مسلمان شناسنامه ای» بوده و مایلند در اصل مسلمانی خویش از شک و تردید بدر آیند خیلی مفید است .

۱۸ - جواب دکتر سروش

در این کتاب سخنرانی اخیر دکتر عبد الکریم سروش (تحت عنوان «خواب احمد») که طی آن قرآن را «خوابنامه» پیامبر (ص) نامیده ، را به چالش کشیده و نشان داده که علاوه بر اینکه قرآن نمیتواند گفته کسی غیر از خداوند باشد ، ضمناً نشان داده که نتیجه گیری های دکتر سروش بر مبنایی بسیار سست و نا استوار مبتنی است .

۱۹ - خرافات زدائی در باره وجود مقدس امام زمان (ع)

در این کتاب تصورات خرافی رایج در باره ظهور امام زمان (ع) را تصحیح کرده ، و علاوه بر آن ، مستندات قرآنی وجود آنحضرت را نیز بیان نموده ، و نیز به بررسی برخی از روایات مرتبط با «آخرالزمان» پرداخته ، و در مجموع نشان داده که این بخش از عقاید شیعیان چقدر صحیح ، و چقدر قرآنی ، و چقدر معقول است .

۲۰ - تاریخ نزول وحی از ابتدا تا وفات آنحضرت

روایات شان نزول و بطور کلی روایات ، در بازه زمانی اواخر بنی امیه و اوایل بنی عباس که همدوره امام باقر و امام صادق (ع) بود به عرضه انبوه رسید و این تقریباً ۹ نسل پس از وفات «اصحاب» رسول خدا (ص) است ، و همچنین پیدایش اولین «سیره» مقارن اواخر هارون و اوائل مامون عباسی است که تقریباً ۱۱ نسل پس از اصحاب است ، و این دو منبع از آنجا که هیچگونه دسترسی شفاهی به دوره نزول وحی از ابتدا تا هجرت نمیتوانسته اند داشته باشند ، و بعلاوه ، در آن روزها کتابت روی پوست

و گران بود و تعداد باسوادان نیز کم بود . مطلب قابل اعتمادی در باره بازه زمانی مذکور ندارند . این کتاب که مستند به فقط آیات قرآن است ، ضمن اینکه در نوع خویش بی نظیر است ، اولین کتاب از این نوع است که خلاء مذکور را به قابل اعتماد ترین وجه پر کرده و اطلاعات درست و روشنی از روزهای نزول وحی به خواننده می دهد .

در این کتاب خواهید دید که چگونه جامعه نوپای اسلام رشد میکند و به قدرت معنوی و در عین حال اجتماعی بی بدیل تبدیل میشود و نیز می بینید که چگونه معارضان قدرتمند و ثروتمند آن به تدریج سپر می اندازند و رنگ می بازند تا اینکه بالاخره عرصه را تسلیم میدارند و هم چنین می بینید که علیرغم تصورات ، آنحضرت در دوره پس از هجرت مشکلات بزرگتری یافته و با چالش های به مراتب مهم تری در گیر بوده است .

ج - تفسیر قرآن (به نام): «سخن نو در تفسیر قرآن»

۱- جلد ۱ (شامل فهرست الفبائی تفسیر سوره ها ، مبانی و روش تفسیری ، و کلید های تفسیر قرآن ، و تفسیر چند سوره اولیه نزول قرآن به ترتیب نزول)

۲- جلد های ۲ تا ۱۰ (شامل تفسیر بقیه سوره ها به ترتیب نزول)

این تفسیر ، چنانکه از بخش «مبانی» در جلد اول - و نیز از خودِ متنِ تفسیر سوره ها - پیدا است ، کاملاً «روش مند» و منظم و قابل آموزش است و چون به ترتیب نزول است خواننده هنگام مطالعه آن گوئی که پا به پای رسول خدا (ص) حرکت نموده و آن روزها را درک میکند و مطالب جنبی قابل ملاحظه ای رانیز علاوه بر متن خود تفسیر در می یابد که مجموعاً از خواندن آن لذت معنوی زیادی می برد و از این لحاظ از هر تفسیری متمایز است .

ذیلا تفسیر یک پاراگراف از یکی سوره ها که بطور اتفاقی انتخاب شده را به عنوان مشتِ نمونه خروار ارائه مینماید و در همینجا این یادآوری را نیز اضافه میکند که :

همان «اسکلت» ی را که در تفسیر این پاراگراف می بینید در کل تفسیر همه پاراگراف ها پیگیری شده ، و عبارت است از :

متن عربی ، عصاره محتوای کل سوره (= درس) ، عصاره محتوای پاراگراف (= درب) ، درج خلاصه تفسیر پاراگراف های قبلی ، سوالات ، شرح مختصر ، و بالاخره جمع بندی و تفسیر (مثال) :

سوره بقره پاراگراف ۲۱ آیات ۱۶۴ تا ۱۶۷

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّوهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَانَهُمْ خَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

پیش تفسیر

درس: ساختن ثبوتی فرد و خانواده از طریق احکام صادره و ساختن سلبی آنان از طریق برحذر داشتن از الگوهای بد (یهودیان و غیره)
درب: جلب توجه مسلمانان به آثار لطف و رحمت الهی و دعوت به سعی در رشد شخصیتی خویش و برکنار ماندن از عاقبت بد آخرتی.

توضیح مقدماتی

در پاراگراف ۱ می فرماید: ای پیامبر! بیشترین مشکل تو در شرایط جدید منافقان هستند. اینک در موقعیتی متفاوت از گذشته هستی، و هم مشکلات، و هم وظایف، سنگین تر از گذشته است. (زیراعلاوه بر کفار و مومنان که قبلاً هم بودند، اینک منافقان به مشکلات اضافه شده و امور حکومتی به وظایف)

در پاراگراف ۲ می فرماید: ای مردم به خداوند خالقان ایمان بیاورید و اگر در رسالت پیامبران شکی

دارید سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن به وجود آورید، و در صورت ایمان و عمل صالح از اهل بهشت خواهید بود .

در پاراگراف ۳ می فرماید : مؤمنان و فاسقان در مقابل آیات الهی رفتارهای متضاد نشان می‌دهند در حالی که بهتر است فاسقان به اینهمه آیات واضح توجه کرده و به خداوند کفر نورزند .

در پاراگراف ۴ می فرماید : ای انسان ها قدرخویش بدانید که برای خلیفگی خداوند افزیده شده اید و این موقعیت درگرو ایمان و پیروی هدایت های الهی است .

در پاراگراف ۵ یهودیان را برای مطالبی که در متن آمده نکوهش می فرماید .

در پاراگراف ۶ می فرماید : ای مسلمانان ! بنی اسرائیل که به رهبری موسی(ع) ازسلطه فرعونیان رهائی یافتند بجای رفتارهای شاکرانه متقادرانه ، رفتارهای ناپسندی ازقبیل نافرمانی و کفر و شرک و غیره و غیره درپیش گرفتند . مبدا شما مانند آنان کنید .

در پاراگراف ۷ می فرماید : ای مسلمانان مبدا دو کلمه شهادتین بر زبان آورده اید خیلی غرور برتان دارد ، خداوند به گرایش حقیقی اهمیت میدهد ، از هرکس با هر دینی که باشد .

در پاراگراف ۸ دو باره به نکوهش یهودیان بر می گردد .

پاراگراف ۹ نیز مانند پاراگراف قبل است .

پاراگراف ۱۰ نیز مانند قبل است .

در پاراگراف ۱۱ می فرماید : ای مسلمانان ! شریعت موسی(ع) درزمان خودش بهترین دین بود ولی اینک دین شما بهترین(وآخرین) است و یهودیان که شما را مسخره میکنند و دلشان نمیخواهد که شما دراین موقعیت برتر باشید ، درحقیقت دشمن شما هستند و بهتر این است که شما این رادکر کنید و اینقدر با آنها مخلوط نباشید و روابط تان را با آنها تقلیل دهید .

در پاراگراف ۱۲ می فرماید : ای مسلمانان مانند یهودیان نباشید که نسبت به پیامبرشان نافرمانی کردند و این عبادات را به جای آورید .

در پاراگراف ۱۳ به نکوهش یهود و نصاری و مشرکان می پردازد و به مسلمانان می فرماید به راه حق خودشان بروند .

در پاراگراف ۱۴ می فرماید : ای پیامبر به وحیی که به تو می‌شود دلگرم باش و راه خودت را برو .

در پاراگراف ۱۵ می فرماید : ای مسلمانان ! ابراهیم وار فقط به خداوند نظر داشته باشید و چیزی جز او نظر نداشته باشید تا علاوه بر آخرت دردنیا نیز به نعمت های بزرگ برسید .

در پاراگراف ۱۶ می فرماید : ای مسلمانان ! درهنگام گفتگوی اعتقادی با یهود و نصارا بر مواردی که بین شماها مشترک است تاکید کنید که آنهم توحید و وحی الهی است .

در پاراگراف ۱۷ می فرماید : ای مسلمانان ! مدتی به علت اشغال کعبه توسط مشرکان مجبور بودید بطرفی دیگر نماز کنید اما اینک که از هر لحاظ رنگ شخصیتی مشخص خویش را یافته اید بهتر است

به سوئی عبادت کنید که بیشترین قربت را با آن دارید.

در پاراگراف ۱۸ می فرماید: ای مسلمانان! برای ارتقاء روحی و شخصیتی لازم است خود را به این اخلاق متخلق سازید.

پاراگراف ۱۹ مربوط به صدور حکم حج است.

در پاراگراف ۲۰ به نکوهش یهودیان برای حقایقی که درباره اسلام می دانسته اما آن را کتمان می کردند می پردازد.

در این پاراگراف می فرماید: بعضی از مردم که علیرغم اینهمه آیات خلق و امر الهی برای خداوند همتا قرار می دهند، در آخرت معذب خواهند بود.

سوالات

۱- «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (آیه ۱۶۵) با کدام کلید فهم قرآن مطابق است؟

۲- درانتهای آیه ۱۶۵ موضوع کدام کلید فهم قرآن اتفاق افتاده؟

۳- چه سابقه ای برای دو آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ در سوره های قبل می شناسید؟

۴- یک مثال برای موضوع دوست داشتن «انداد» (آیه ۱۶۵) بیاورید.

۵- چرا خداوند آفرینش آسمانها و زمین را در ردیف آیت هایی ذکر فرموده که بسیار کوچکتر میباشند؟

شرح مختصر

پراوتزها

آیه های اصلی پاراگراف آیه های ۱۶۴ و ۱۶۵ است.

حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها

در آیه ۱۶۴ آفرینش آسمانها و زمین را یک آیت در عرض آیات دیگر (مثلا قایق رانی در آب) ذکر کرده ولی واضح است که آن یک آیت اصلا در عرض آیات دیگر نیست بلکه همه آنها فرع بر آن یک آیت هستند.

علت این نوع ذکر مطلب ، شاید به این علت بوده باشد که مردم آن روزها در آفرینش و اینکه منحصرأ توسط خداوند انجام شده شکی نداشتند و مشکلشان اینجا بوده بقیه مظاهر زندگی را به مراکزی مرتبط میکرده اند که آنها را «انداد» خداوند (همپرازان - آیه ۱۶۵) حساب میکرده اند .

جمع بندی و تفسیر

البته در آفرینش آسمانها و زمین ، و گردش شب و روز ، و کشتیایی که در دریا به نفع مردم حرکت میکند ، و آنچه خداوند از آسمانها از آبهای که سبب زنده شدن زمین پس از مرگش میشود میفرستد ، و اینکه همه جور جنبنده ای در زمین گسترانیده ، و در گردش بادها ، و ابرهایی که بین آسمان و زمین رانند ، آیاتی برای اشخاصی که تعقل می کنند وجود دارد (۱۶۴) و از میان مردم کسانی هستند که برای خدا همتایانی قرار میدهند و آنها را مانند خداوند دوست میدارند ، ولی مومنان خدا را بیش از همه چیز دوست میدارند ، و اگر آنانکه ظلم کردند آن عذاب را میدیدند (میدانستند) که همه قدرت ها همگی مخصوص خداوند است و اینکه عذاب خداوند شدید است (۱۶۵) {آن هنگام که رهبران (گمراهی) از پیروان خویش بیزاری میجویند و عذاب را می بینند و سبب ها از آنها قطع میشود (۱۶۶) و پیروان آنان میگویند کاش بازگشتی بود تا ما هم از آنان بیزاری جوئیم همانطور که آنان از ما بیزاری جستند. خداوند اعمالشان را با چنین حسرت هائی به آنها نشان میدهد و از آن آتش خارج نخواهند شد} (۱۶۷)

علامت { } مربوط به مطالب فرعی ، و { { } } مربوط به مطالب فرعی در فرعی است .

مطالب فوق در سایت www.tafsir.jamal-ganjei.com هست ،
و ایمیل jamalganjei@gmail.com نیز برای پاسخ به سوالات در
خدمت است .